



خبرنامه الکترونیکی انجمن ایرانی اخلاق در علوم و فناوری

شماره ۲۶

زمستان ۱۳۹۹

مدیر مسئول:

دکتر مصطفی معین

سر دبیر:

دکتر مریم مالمیر

همکاران این شماره (به ترتیب حروف الفبا):

محبوبه آطاهریان

محمد خان احمدی

لیلا مظفری

گوهر نصرتی

تهیه و تنظیم: کمیته انتشارات و ارتباطات انجمن ایرانی اخلاق در علوم و فناوری

"به نام فردبشش بفروردین نوروز"

"می شود سبز بود با یک برگ
می شود، شد بهار با یک گل
از دل یک شکوفه شادی کرد
دل به سودای یک شقایق داد"
(مجتبی کاشانی)

نوروز که عید زندگی و نشانه ماندگاری ما ایرانیان
است، بر همه زنان و مردان هم وطن در سراسر
جهان مبارک باد! نوروز در چشم و دل و زبان ما
همیشه عزیز بوده، که فصل راوندگی و شکوفایی
انسان و طبیعت و امیدواری به آینده ای سبز و
ثمربخش است.

طبیعه نیکوی نوروز ۱۴۰۰ با عید بعثت پیامبر اخلاق و زارور
نجسته فرزند آزاده اش سالار شهیدان تقارن دارد و ماه
فروردین با میلاد فرخنده نواده نبات بخش او، مهدی
موعود(عج) مزین شده است. از این تقارن نیک،
بیاموزیم و از پروردگارمان بخواهیم که پندار و گفتار و
کردار ما را نیکوترین گرداند. امیدوارم در سال جدید بر
پایه آرمان هائی چون آزادی و دادخواهی و انتصاب
درست سرنوشت، سلامتی، شادکامی، صلح و سازندگی
ایران عزیز را در پیش رو داشته باشیم.

دکتر مصطفی معین

رییس هیات مدیره

انجمن ایرانی اخلاق در علوم و فناوری

کوتاه نوشت زندگینامه علمی - پژوهشی

دکتر حسین اسکندری

استاد تمام و مدیر گروه روانشناسی بالینی دانشگاه علامه

طباطبایی

و

سر دبیر فصلنامه انگلیسی اخلاق و جامعه



دکتر حسین اسکندری متولد ۱۳۴۰، استاد تمام و مدیر گروه روانشناسی بالینی دانشگاه علامه طباطبایی است.

دکتر حسین اسکندری مدارج خود را در رشته روانشناسی بالینی و عمومی از دانشگاه تربیت مدرس دریافت کردند و هم اکنون از چهره های برتر حوزه روانشناسی در کشور هستند.

سوابق و مسئولیت های اجرایی

مسئول کلینیک مشاوره شاهد، ۰۸/۰۵/۱۳۷۴، ایران، تهران

مسئول مرکز مشاوره دانشگاه، ۰۸/۰۷/۱۳۷۵، ایران، تهران

مدیر امور فرهنگی و مشاور دانشگاه، ۲۶/۱۲/۱۳۷۵، ایران، تهران

عضو شورای آموزش و پرورش استان تهران، ۱۳/۰۷/۱۳۷۷، ایران، تهران

عضو شورای گروه پژوهشی تعلیم و تربیت اسلامی، ۰۵/۱۲/۱۳۷۷، ایران، تهران

مدیرکل دفتر مشاوره و بهداشت مدارس وزارت آموزش و پرورش،

۰۵/۰۳/۱۳۷۸، ایران، تهران

مشاور پژوهشی رئیس پژوهشکده و دبیر شورای تحقیقات،

۰۴/۰۹/۱۳۸۱، ایران، تهران

عضو کمیته دوره های نیمه حضوری فراگیر در رشته روانشناسی

عمومی، ۰۹/۱۲/۱۳۸۳، ایران، تهران

مشاور معاون فرهنگی در سیاست گذاری فعالیت های فرهنگی

اجتماعی دانشگاه، ۲۵/۰۲/۱۳۸۴، ایران، تهران

مدیر گروه علوم انسانی (شورای بررسی کتاب) سازمان انتشارات جهاد

دانشگاهی، ۲۲/۱۲/۱۳۸۵، ایران، تهران

رئیس پژوهشکده فرهنگ پژوهی، ۱۶/۰۹/۱۳۸۷، ایران، تهران

ریاست مرکز پژوهشی علوم رفتاری دانشگاه علامه طباطبایی،

۳۰/۰۹/۱۳۸۷، ایران، تهران

مدیر گروه علوم انسانی (شورای بررسی کتاب) سازمان انتشارات جهاد

دانشگاهی، ۲۰/۰۴/۱۳۸۸، ایران، تهران

مدیر گروه روانشناسی بالینی، ۱۸/۰۹/۱۳۹۲، ایران، تهران

عضو شورای فرهنگی دانشگاه، ۲۰/۰۱/۱۳۹۴، ایران، تهران

عضو کمیته اسلامی کردن دروس دانشگاهی دانشگاه،

۲۰/۰۱/۱۳۹۴، ایران، تهران

پیشینه پژوهشی

از فعالیت های دکتر حسین اسکندری می توان به انتشار بیش از ۱۳۰

مقاله علمی در مجلات معتبر داخلی و خارجی و هدایت بیش از ۱۰۰ پایان

نامه در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری تخصصی به عنوان استاد راهنما

و مشاور، اشاره کرد.

الف) کتب تالیفی

اسکندری حسین، مشارکت سیاسی، تالیف، انتشارات سفیر

اسکندری حسین، خدا به تصور کودکان، تالیف، موسسه فرهنگی

منادی تربیت

اسکندری حسین، تربیت پنهان، تالیف، نشر تزکیه

ب) کتاب‌های ترجمه شده

✚ اسکندری حسین، مروری بر مسائل بحث انگیز در روان‌شناسی زبان و تفکر، ترجمه، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی،

ج) طرح‌های کاربردی برون‌دانشگاهی

✚ تدوین مبنای انسان‌شناختی اسلام برای علوم انسانی
✚ ارزشیابی اجرای طرح عمره دانش‌آموزی
✚ بررسی تطبیقی اصلاحات و نوآوری‌های آموزشی بنا به برنامه توسعه چهارم
✚ تدوین الگوی نظری تربیت زیستی و بدنی در آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران
✚ ریشه‌ها و عوامل ایجاد کننده مصرف‌گرایی در جامعه ایرانی
✚ درونی‌کردن ارزش‌های اسلامی و اخلاق اسلامی از طریق برنامه درسی

د) کرسی نقد و نظریه پردازی

✚ طرحی نو در قلمرو روانشناسی اسلامی، اسکندری حسین، نظریه پردازی

ه) همکاری در نشریات

✚ مدیر مسئول فصلنامه روانشناسی افراد استثنایی، علمی پژوهشی

✚ اسکندری حسین، کوریکولوم جامع آموزش سلامت در مدارس از مقطع پیش‌دبستانی تا پیش‌دانشگاهی، تالیف، مهر راوش
✚ اسکندری حسین، مجموعه کتاب‌های بهداشت مدارس (مهارت‌های بهداشتی ویژه بهداشتیاران)، تالیف، انتشارات هنر آبی
✚ اسکندری حسین، برنامه درسی پنهان، تالیف، انتشارات نسیم
✚ اسکندری حسین، می‌خواهم عاشق شوم اجازه هست؟ (روان‌شناسی نوجوانی)، تالیف، انتشارات نسیم
✚ اسکندری حسین، پوست نارنج (روان‌شناسی کودک)، تالیف، انتشارات نسیم
✚ اسکندری حسین، انگشت اشاره ات کجا را نشانه رفته است (روانشناسی نوجوانی)، تالیف، انتشارات نسیم
✚ اسکندری حسین، وقتی خانه‌ای برفی می‌سازی هیچ وقت دلت نمی‌خواهد آفتابی بر آن بتابد (روانشناسی خانواده)، تالیف، انتشارات نسیم
✚ اسکندری حسین، اعلی‌نیا منصوره، همدوست نرگس، آشنایی با نظریه عمومی سیستم‌ها: رویکرد، عملکرد و ویژگی‌ها، تالیف، اورنگ
✚ اسکندری حسین، اخلاق و معناشناسی: ماهیت و ارتباط شئیت و مشیت، تالیف، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی

مصوبات هیات مدیره انجمن ایرانی اخلاق در علوم و فناوری

۵. یک برنامه محتوایی آماده شود و در هیات مدیره بر روی برنامه کار شود.
۶. مقرر شد برنامه محتوایی، زمان بندی و بودجه بندی آماده شود و در جلسه فوق العاده هیات مدیره که در تاریخ ۲۲ دی برگزار میشود بررسی شود.
۷. با آقایان دکتر فراستخواه، عباس بازرگان برای عضویت شورای مشورتی صحبت شود دکتر مهرمحمدی نیز پیشنهاد میشود علاوه بر اساتید از دانشجویان نیز کمک گرفته شود از بعد اخلاقی نیز می توان از دانشجویان استفاده گردد
۸. برای گروه اجرایی علاوه بر آقای منصوری یک فرد بصورت تمام وقت که پای کار و مسئولیت پذیر باشد استخدام شود تا نتیجه کار حاصل شود. برای اینکار میتوان با آقایان دکتر خانیکی، دکتر شمس و منصوری مشورت گرفت.
۹. یک موضوع را نیز می توان بررسی کرد و آن کارکنان دانشگاه ها می باشد آیا نماینده آنها نیز در این برنامه دیده شود یا خیر
۱۰. بررسی برای تشکیل تیم همکار دانشگاهی در دانشگاه شهید بهشتی آقایان دکتر محقق داماد، دکتر نوبهار، دکتر هاشمی و افراد دیگر می توانند کمک کنند.

موضوع عضویتها و حق عضویتها
باید نحوه ارتباطات را با اعضا را حداکثر قوی کنیم از فضای مجازی استفاده کرد در فضای اجتماعی پیگیری و جستجو انجام شود
برای توسعه ارتباطات مقرر شد خانم دکتر مالیر یک برنامه برای جلسه آینده هیات مدیره آماده و اراده دهند تا با کمک خانم مظفری اجرایی شود.

امور جاری

الف) تغییر ساعات برگزاری جلسات هیات مدیره و سخنرانی ماهانه انجمن: جلسه سخنرانی: مقرر شد یک نظرسنجی از بین مخاطبین انجمن صورت بگیرد با کدام یک ساعات برگزاری موافق هستند ساعت ۱۶:۳۰ و یا ساعت ۱۷

جلسه هیات مدیره: مقرر شد با اعضای هیات مدرسه صحبت شود که آیا با ساعت ۱۹ موافق هستند یا خیر

ب) تفاهم نامه با سازمان مردم نهاد حمایت از بیماران نقص ایمنی:

اعضای هیات مدیره انجمن ایرانی اخلاق در علوم و فناوری در فصل زمستان سال جاری ۳ جلسه به ترتیب در تاریخ های ۸ دی ماه، ۱۲ بهمن ماه و ۱۱ اسفند ماه، تشکیل دادند که در ادامه خلاصه ای از دستور جلسات و مصوبات هر جلسه ارایه می شود:

جلسه دی ماه ۱۳۹۹

دستور جلسه:

۱. پیگیری قرارداد طرح اخلاق دانشگاهی با دانشگاه شهید بهشتی
۲. گزارش در خصوص شورای عتف
۳. گزارش طرح تشکیل انجمن دانشجویی اخلاق در دانشگاه ها
۴. گزارش نشست مجازی «نقش آفرینی انجمن های علمی ایران در جامعه، دولت و صنعت و چالش های آن»
۵. مطالب سایر کارگروه ها
۶. موضوع عضویتها و حق عضویتها
۷. امور جاری
۸. اخبار

صورت جلسه:

۱. پیگیری قرارداد طرح اخلاق دانشگاهی با دانشگاه شهید بهشتی
یک شورای مشورتی برای این طرح ایجاد میشود که اساتید دانشگاه دانشگاه شهید بهشتی و دیگر دانشگاه ها حضور خواهند داشت از اعضای هیات مدیره در این شورا خواهند بود.
۲. یک تیم اجرای آقای دکتر بنی اسدی، آقای منصوری و دکتر شمس هستند مسئولیت اجرایی با آقای منصوری است بصورت هفته ای ۳ روز کاری می باشد تیم اجرایی با جلسات هفتگی و شورای مشورتی جلسات ماهانه خواهند داشت.
۳. برای ضمانت یک چک از طرف انجمن آماده شود و با هماهنگی با آقای دکتر نصیری به دانشگاه ارسال شود.
۴. برای طرح یک جامعه نگری شود و با امید و انگیزه وقت گذاری شود، با دید اخلاقی و دینی به آن نگاه شود.

خبرنامه الکترونیکی انجمن ایرانی اخلاق در علوم و فناوری (شماره ۲۶) زمستان ۱۳۹۹

✚ امور جاری

جایزه دکتر قریب:

دارای سه رکن است:

۱. هیات امنا

۲. اعضای شورای علمی

۳. دبیرخانه

هیات امنا شامل هیات مدیره انجمن و سه عضو از اساتید می باشند که افراد زیر پیشنهاد شده است:

دکتر رضا فرجی دانا (گروه علوم مهندسی)، دکتر غلامرضا خاتمی (گروه علوم پزشکی)، دکتر ندیمی (گروه هنر) و در صورت عدم پذیرش دکتر بهمن نامور مطلق

- هیات امنا سیاستها را مشخص میکنند.

- شورای علمی ۱-۲ جلسه دارد و بررسی کاندیداها و امور دیگر آنلاین خواهد بود.

جلسه اسفند ماه ۱۳۹۹

دستور جلسه:

۱. طرح اخلاق دانشگاهی
۲. ارائه لیست پیشنهادی سخنرانی های سال ۱۴۰۰ کمیته اجتماعات
۳. مطالب سایر کارگروه ها
۴. امور جاری (عضویت)
۵. حضور آقای دکتر اسکندری سردبیر مجله انگلیسی انجمن اخلاق

مصوبات جلسه:

- ✚ برنامه طرح اخلاق دانشگاهی با دانشگاه شهید بهشتی
۱. کمیته نظارت برای بررسی و تأیید برنامه اجرای طرح و نظارت کمی و کیفی به پیشرفت طرح حداقل سه عضو اصلی پیشنهادی عبارتند از: جناب آقای دکتر معین، دکتر نصیری، جناب آقای دکتر شمسی گوشکی. که مصوب گردید.
 ۲. مدیر مسئول طرح که همکاری با مجری طرح
 ۳. مجری طرح: جناب آقای اردشیر منصوری برای این مسئولیت قبلا پیشنهاد شده و تأیید شده اند
 ۴. گروه مشاوران طرح که آقایان دکتر فراستخواه، دکتر ملکیان و دکتر فنائی را پیشنهاد شده اند.
 ۵. حداقل یک نفر نماینده و رابط دانشگاه با انجمن تعیین و معرفی گردند. ایجاد و هماهنگی روابط انجمن و دانشگاه با همکاری نماینده

انجمن با همکاری با این سمن موافقت کرد و مقرر شد خانم دکتر نوری زاده به عنوان نماینده انجمن مراحل این تفاهم نامه و همکاری را پیش ببرند.

ج) سخنرانی با موضوع اخلاق انتخاباتی:

باتوجه به نزدیک شدن به انتخابات ریاست جمهوری یک سخنرانی توسط فردی که مسلط به قانون اساسی باشد انجام شود برای این موضوع آقای دکتر مهرپور معرفی شد که قرار شد دکتر معین صحبت اولیه را انجام دهند.

جلسه بهمن ماه ۱۳۹۹

دستور جلسه:

۱. پیگیری قرارداد طرح اخلاق دانشگاهی
۲. گزارش در خصوص شورای عتف (دکتر نصیری)
۳. گزارش طرح تشکیل انجمن دانشجویی اخلاق در دانشگاه ها (دکتر خانیکی)
۴. برنامه عضویتها و حق عضویتها (دکتر مالمیر)
۵. مطالب سایر کارگروه ها
۶. امور جاری (جایزه دکتر قریب- نامه انجمن جامعه شناسی)
۷. اخبار

مصوبات جلسه:

✚ پیگیری قرارداد طرح اخلاق دانشگاهی با دانشگاه شهید بهشتی
اصلاحات براساس نظرات اعضای جلسه فوق العاده هیات مدیره انجام شد و بعد از تأیید برای دانشگاه ارسال شد و بعد از تأیید دانشگاه نسخه قرارداد فی مابین انجمن و دانشگاه انجام شد.

✚ گزارش در خصوص شورای عتف (دکتر نصیری):

موضوع عتف به کمیسیون آموزش، پژوهش رفت و در آنجا تغییراتی بوجود آمد برای سرمایه گذاری ... در جلسه اخیر چند پیشنهاد دادیم وظایفی از شورای عتف گرفته شده و با معاونت علمی ریاست جمهوری ۵۰-۵۰ شد.

✚ موضوع عضویتها و حق عضویتها:

بنا به نظر خانم دکتر مالمیر و تأیید هیات مدیره مصوب شد لیست اعضای انجمن مرتب شده و در اختیار کمیته ارتباطات قرار گیرد و شروع به تماس با اعضا شود.

خبرنامه الکترونیکی انجمن ایرانی اخلاق در علوم و فناوری (شماره ۲۶) زمستان ۱۳۹۹

موضوع پیشنهادی اردیبهشت ماه: خرافه از منظر جامعه شناسی در روانشناسی (پانل)؛ سخنرانان پیشنهادی: دکتر محمود حسینی- دکتر اسکندری- خسرو باقری- علی ملک پور

موضوع پیشنهادی خرداد ماه: علم، شبه علم و خرافه در زندگی مدرن، سخنرانان پیشنهادی: -دکتر حسین شیخ رضائی-دکتر کیوان السی- آقای علی پایا دکتر زمانی- دکتر تقوا

۲. پیشنهاد شد سه سخنرانی بصورت پانل ارائه شوند و در مورد تغییر زمان سخنرانی های مقارن با ماه رمضان بررسی و هماهنگی شود.
۳. عناوین کلی سخنرانی سه فصل دیگر تابستان، پاییز و زمستان عبارتند از: اخلاق دانشگاهی(اخلاق پژوهش و آموزش)، اخلاق و تکنولوژی (پزشکی و...)، اخلاق و تکنولوژی (علوم مهندسی و...)

✚ امور جاری(عضویت)

با عضویت دانشجویی آقای محمدرضا انبیاei موافقت گردید.

✚ حضور آقای دکتر اسکندری سردبیر مجله انگلیسی انجمن اخلاق سردبیر جناب آقای دکتر اسکندری پیشنهاد کرد که ۴ جلسه هیات تحریریه در سال برگزار شود که این پیشنهاد مورد استقبال قرار گرفت. طی بحثهای انجام شده راجع به سیاستها و مخاطبین مجله، قرار شد موارد در هیات تحریریه بحث و به هیات مدیره انجمن پیشنهاد و پس از تصویب اجرائی گردد.

محترم دانشگاه صورت خواهد گرفت. پیشنهاد ما این است که یکی از معاونین محترم دانشگاه به این منظور تعیین گردند.

۶. بودجه طرح ۱۳۰ میلیون تومان با کسر کسورات می باشد. پرداختها عمدتا ساعتی و تعدادی خواهد بود کارشناسان ساعتی ۵۰ هزار و مجری طرح ساعتی ۸۰ هزار تومان پیشنهاد شد که بررسی شود که با پرداختهلی دانشگاهی همسان باشد

۷. در خصوص نحوه پرداخت هزینه پیشنهاد شد یک مبلغ بصورت تنخواه به مجری طرح داده شود، پیشنهاد آقای دکتر بنی اسدی این بود که انجمن کارهای مالی را انجام دهد که گفته شد هم بروکراشی بیشتری دارد و در توان انجمن نیست قرار شد مجریان طرح در این زمینه تامل نمایند.

۸. یک نفر هم مثل دکتر پارساپور با فرد دیگری پیدا شود که با ایشان یا دکتر شمسی جز مجریان باشند و فرد دیگر در کمیته نظارت به هر حال اجرای طرح شروع شود.

۹. کارشناسان پیشنهادی آقایان محمود مقدسی-حسن حشمتی-احمد عربشاهی و مهندس خانجانی هستند.

✚ ارائه لیست پیشنهادی سخنرانی های سال ۱۴۰۰ کمیته اجتماعات عنوان کلی فصل بهار: اخلاق عمومی-اخلاق و اجتماع :
۱. موضوع پیشنهادی فروردین ماه: تاملی در مقوله خرافه از منظر اخلاق باور؛ سخنرانان پیشنهادی: دکتر محسن جوادی-دکتر ابوالقاسم فنایی- دکتر کاوه بهبهانی

اساسنامه جایزه استاد دکتر محمد قریب

Prof. Mohammad Gharib Awards

مقدمه

انجمن ایرانی اخلاق در علوم و فناوری در سال ۱۳۸۳ با هدف اعتلای اخلاق در جامعه علمی تاسیس شد. با توجه به این هدف، انجمن در نظر دارد جوایزی را به افراد، موسسات و طرح هایی که نقشی پررنگ در اعتلای اخلاق در کشور دارند اعطا نماید. از این روی، هر دو سال یک بار در روز درگذشت استاد فرزانه دکتر محمد قریب (یکم بهمن ماه)، طی مراسمی جوایزی با عنوان "**جایزه استاد دکتر محمد قریب**" به پیشگامان و فعالان مطالعه اخلاق در حوزه های علوم پزشکی و زیستی، علوم پایه، علوم انسانی و اجتماعی، علوم کشاورزی و دامپزشکی، علوم فنی - مهندسی و معماری و هنر اهدا می شود. دبیرخانه این جایزه که در انجمن ایرانی اخلاق در علوم و فناوری قرار دارد بر اساس فرایندهایی که در این اساسنامه مشخص شده است برگزیدگان را مشخص می نماید.

فصل اول: اهداف

ماده اول: اهداف جایزه ملی اخلاق در علم به شرح زیر است:

۱. اعتلای اخلاق و فرهنگ ایران زمین
۲. توجه به اهمیت و جایگاه اخلاق در علم
۳. قدردانی از اندیشمندان و پژوهشگران حوزه اخلاق

فصل دوم: ارکان

ماده دوم: ارکان جایزه ملی اخلاق در علم شامل اجزای زیر است:

۱. هیات امنای جایزه اخلاق
۲. شورای علمی
۳. دبیرخانه جایزه

فصل سوم: هیات امنای

ماده سوم: هیات امنای جایزه ملی اخلاق در علم در نقش شورای سیاست گذاری جایزه عمل می کند و مسئولیت تصویب سیاست های کلان جایزه را به عهده دارد.

ماده چهارم: ترکیب اعضای هیات امنای عبارتند از:

۱. دکتر مصطفی معین (ریاست هیات امنای)
۲. اعضای هیات مدیره انجمن اخلاق در علوم و فناوری

۳. سه تن از استادان برجسته حوزه اخلاق به پیشنهاد رئیس هیات امنای و

تأیید هیات مدیره انجمن

ماده پنجم: وظایف و اختیارات هیات امنای جایزه ملی اخلاق در علم به شرح زیر است:

۱. تعیین معیارهای انتخاب برگزیدگان جایزه
۲. تصمیم گیری درباره نوع و میزان جایزه
۳. تعیین اعضای حقیقی و حقوقی شورای علمی جایزه
۴. طراحی و تصویب تغییرات احتمالی در اساسنامه جایزه

فصل چهارم: شورای علمی

ماده ششم: شورای علمی هیات داوران جایزه محسوب می شود.

ماده هفتم: ترکیب اعضای شورای علمی به شرح زیر است:

۱. ریاست هیات امنای به عنوان رئیس شورای علمی
۲. ریاست هیات مدیره انجمن اخلاق در علوم و فناوری
۳. دبیر هیات مدیره انجمن اخلاق در علوم و فناوری
۴. نمایندگان نهادها و دانشگاه های همکار (حداکثر دو نماینده)
۵. سه تن از استادان و فعالان مطالعه اخلاق در علوم پزشکی و بهداشت
۶. سه تن از استادان و فعالان مطالعه اخلاق در علوم انسانی و اجتماعی
۷. دو تن از استادان و فعالان مطالعه اخلاق در علوم پایه
۸. دو تن از استادان و فعالان مطالعه اخلاق در علوم کشاورزی و دامپزشکی
۹. دو تن از استادان و فعالان اخلاق در علوم فنی و مهندسی
۱۰. دو تن از استادان و فعالان اخلاق در علوم معماری و هنر

ماده هشتم: موارد زیر حیطه وظایف و اختیارات شورای علمی را مشخص می کند:

۱. تعیین دو سالانه برگزیدگان جایزه استاد دکتر محمد قریب
۲. ارائه پیشنهادهایی در زمینه ملاک های انتخاب برگزیدگان و میزان جایزه به هیات امنای جایزه

ماده دوازدهم: در مرحله دوم، آثار و فعالیت های علمی نامزدهای مرحله اول، توسط شورای علمی داوری می شود تا افرادی که نصف به علاوه یک رأی مثبت کسب کنند به مرحله سوم بروند.

ماده سیزدهم: در مرحله سوم، شورای علمی از میان کاندیداهای مرحله دوم، ۶ تن را در هر بخش تخصصی به عنوان نامزد برنده ی جایزه انتخاب می کند که در نهایت از میان آنها برگزیدگان با حداکثر آرا انتخاب می شوند.

تبصره ۱: در هر بخش تخصصی تنها به یک نفر (مگر به تشخیص شورای علمی، به حداکثر ۲ نفر) جایزه داده می شود.

تبصره ۲: ضرورت ندارد انتخاب نامزدها در هر بخش تخصصی به حتم صورت بگیرد. در صورتی که شورای علمی در یک دوره برای یک بخش تخصصی کاندیدایی نیابد می تواند اعلام کند که در آن سال مشخص در بخش تخصصی مربوط جایزه ای ندارد.

تبصره ۳: جزییات نتایج و جلسات داوری، و نظر هر یک از داورها درباره ی افراد محرمانه تلقی شده و اعلام نمی شود.

فصل هفتم: نوع و میزان جایزه و زمان

ماده چهاردهم: جایزه ملی اخلاق در علم حوزه های زیر را شامل می شود:

۱. چهره ماندگار اخلاق در علم (از میان پیشگامان و پیشکسوتان مطالعه اخلاق)

۲. پژوهشگر برتر حوزه اخلاق در علوم زیستی و بهداشتی

۳. پژوهشگر برتر حوزه اخلاق در علوم انسانی و اجتماعی

۴. پژوهشگر برتر حوزه اخلاق در علوم پایه

۵. پژوهشگر برتر حوزه اخلاق در علوم کشاورزی و دامپزشکی

۶. پژوهشگر برتر حوزه اخلاق در علوم فنی و مهندسی

۷. پژوهشگر و خلاق ایده برتر حوزه اخلاق در هنر و معماری

ماده پانزدهم: این جایزه هر دو سال در یکم بهمن ماه برابر با روز درگذشت استاد دکتر محمد قریب، به برگزیدگان اعطا خواهد شد.

ماده شانزدهم: این اساسنامه مشتمل بر ۷ فصل، ۱۶ ماده، ۷ تبصره در جلسه هیات مدیره انجمن ایرانی اخلاق در علوم و فناوری مورخ ۱۳۹۹/۱۲/۱۱ به تصویب رسید.

تبصره ۱: در هر بخش تخصصی تنها به یک نفر (مگر به تشخیص شورای علمی، به حداکثر ۲ نفر) جایزه داده می شود.

تبصره ۲: ضرورت ندارد انتخاب نامزدها در هر بخش تخصصی به حتم صورت بگیرد. در صورتی که شورای علمی در یک دوره برای یک بخش تخصصی کاندیدایی نیابد می تواند اعلام کند که در آن سال مشخص در بخش تخصصی مربوط جایزه ای ندارد.

تبصره ۳: جزییات نتایج و جلسات داوری، و نظر هر یک از داورها درباره ی افراد محرمانه تلقی شده و اعلام نمی شود.

فصل پنجم: دبیرخانه

ماده نهم: دبیرخانه جایزه ملی اخلاق در علم، دفتر انجمن ایرانی اخلاق در علوم و فناوری است که مسئولیت برنامه ریزی انتخاب برگزیدگان و برگزاری مراسم اعطای جایزه را بر عهده دارد.

ماده دهم: اعضای دبیرخانه متشکل هستند از:

- دبیر اجرایی جایزه (به انتخاب هیات مدیره انجمن اخلاق در علوم و فناوری)
- مسئول روابط عمومی انجمن اخلاق در علوم و فناوری
- تعدادی از اعضای فعال انجمن اخلاق در علوم و فناوری

فصل ششم: فرآیند داوری

ماده یازدهم: در مرحله اول، تعدادی از الف- پیشگامان و پیشکسوتان حوزه اخلاق، ب- پژوهشگران فعال حوزه اخلاق و طرح های پژوهشی مربوط در هریک از بخشهای تخصصی شش گانه علوم و فناوری، به عنوان نامزد توسط شورای علمی انتخاب می شوند.

تبصره ۱: در بخش پژوهشگران حوزه اخلاق (بند-ب)، نظرات شورای سردبیری و هیات تحریریه فصلنامه های منتشر شده توسط انجمن ایرانی اخلاق در علوم و فناوری می تواند لحاظ گردد.

تبصره ۲: دانشگاه ها، مراکز تحقیقاتی و مؤسسات و تشکلهای علمی فعال در حوزه اخلاق که مجوز از وزارتخانه های علوم و تحقیقات و فناوری، بهداشت و درمان و آموزش پزشکی و فرهنگ و ارشاد اسلامی دارند نیز می توانند کاندیدهای خود را به طور رسمی به دبیرخانه پیشنهاد دهند.

اولین جلسه هیات امناء جایزه استاد دکتر محمد قریب

اعضای هیات امنای جایزه استاد دکتر محمد قریب در ۱۱ اسفند ماه ۱۳۹۹، اولین جلسه هیات امنای جایزه را برگزار کردند که در ادامه خلاصه ای از دستور جلسه و مصوبات آن ارائه می شود

دستور جلسه:

۱. طراحی و تصویب تغییرات احتمالی در اساسنامه جایزه
۲. تصمیم گیری درباره نوع و میزان جایزه
۳. تعیین اعضای حقیقی و حقوقی شورای علمی جایزه

مصوبات جلسه:

طراحی و تصویب تغییرات احتمالی در اساسنامه جایزه متن اساسنامه توزیع شد و بند مربوط قرائت شد آقای دکتر نامور مطلق پیشنهاد دادند که بخش خلق اثر برای حوزه هنر نیز به اساسنامه اضافه گردد.

تصمیم گیری درباره نوع و میزان جایزه

با توجه به اینکه انجمن یک نهاد مدنی است ارزش معنوی جایزه مهم تر است، پیشنهاد گردید یک تندیس برای آن طراحی شود پیشنهاد شد سایر مراسم های جایزه ها که برگزار شده است نیز بررسی شوند.

تعیین اعضای حقیقی و حقوقی شورای علمی جایزه

تعداد پیش بینی شده در اساسنامه از میان افراد زیر مشخص شوند

۱. نمایندگان نهادها و دانشگاه های همکار (حداکثر دو نماینده): بیمارستان طبیبی کودکان، دانشگاه شهید بهشتی، انجمن ترویج علم
۲. سه تن از استادان و فعالان مطالعه اخلاق در علوم پزشکی و بهداشت: دکتر احسان شمسی، دکتر شاهین آخوندزاده، دکتر علیرضا پارساپور، دکتر ضیالالدین تابعی، (دکتر مریم نوری زاده)
۳. سه تن از استادان و فعالان مطالعه اخلاق در علوم انسانی و اجتماعی: دکتر مصطفی محقق داماد، دکتر مسعود چلبی، دکتر مقصود فراستخواه، دکتر رضا داوری، دکتر غلامرضا اعوانی، دکتر شهین

اعوانی، دکتر معصومی همدانی، دکتر محمدرضا بهشتی، دکتر یاحقی، دکتر محمود مهرمحمدی، دکتر حسین سراج زاده، (دکتر هادی خانیکی)

۴. دو تن از استادان و فعالان مطالعه اخلاق در علوم پایه: دکتر سعید سمینان، دکتر اعظم ایرجی زاد، دکتر فرازمند، (دکتر سعداله نصیری)

۵. دو تن از استادان و فعالان مطالعه اخلاق در علوم کشاورزی و دامپزشکی: (دکتر تقی شامخی)

۶. دو تن از استادان و فعالان اخلاق در علوم فنی و مهندسی: دکتر مهدی بهادری نژاد، دکتر علی خاکی صدیق، (دکتر جعفر میلی منفرد)

۷. دو تن از استادان و فعالان اخلاق در علوم معماری و هنر: مهندس سیدمحمد بهشتی، دکتر اکرمی، یک نفر از هنرمندان خلق اثر به پیشنهاد دکتر نامور مطلق

پیشنهادهای

پیشنهاد گردید که در بخش شورای علمی از همکاری انجمنهای علمی دیگر نیز استفاده شود.

پیشنهاد گردید که حسب مورد یکی از اعضای هیات مدیره انجمن در گروه تخصصی ذیربط شورای علمی عضویت داشته باشند (افراد پیشنهادی در داخل پرانتز)

جناب استاد خاتمی نیز افراد زیر را برای عضویت در گروه تخصصی علوم پزشکی و بهداشت پیشنهاد دادند:

آقایان دکتر بهرامی، دکتر حامد شفق، دکتر محمود حقیقت، دکتر محمدرضا اسماعیلی و خانم دکتر کتابون خاتمی
آقای دکتر شامخی نیز افراد زیر را برای عضویت در گروه تخصصی علوم کشاورزی پیشنهاد دادند:

آقایان دکتر محمدسعید نوری نایینی، دکتر علیرضا کوچکی، دکتر محمدرضا بی همتا، مهندس هوشنگ طهماسبی، دکتر عبدالمجید مهدوی دامغانی، دکتر کاظم صدر

سخنرانی های انجمن ایرانی اخلاق در علوم و فناوری در فصل زمستان

گفتمان دانشگاه آزاد و دانشگاه اخلاقی». ممکن است در وادی نظر چنین به چشم بیاید که در طول حیات دانشگاهی آزادی و اخلاق دو ارزش همواره هم دوش یکدیگر بوده اند. امروز ما این دو تأکید و این دو گفتمان؛ یعنی «دانشگاه آزاد» و «دانشگاه اخلاقی» را می پذیریم و به آن نیاز داریم اما چیزی که موضوع اصلی صحبت من هست پس از اینکه تعریفی خواهم داشت از «آزادی آکادمیک» و «اخلاق دانشگاهی» سعی می کنم به این سؤال پاسخ بدهم که روند تکوین این مفاهیم در طول تاریخ حیات دانشگاه مدرن چگونه بوده است؟ آیا در طول تاریخ، حدود ۸ قرن دانشگاه مدرن، آزادی و اخلاق هم دوش هم بودند یا نه؟ چرا این سؤال مهمه؟ برای اینکه اگر ما بتوانیم شرایط اجتماعی جامعه خودمان را با مقاطعی از تکوین آکادمی در بستر خودش، یعنی در مغرب زمین، تطبیق بدهیم، آن وقت ممکن است بهتر بتوانیم خصلت های دانشگاه ایرانی و نیازهای آن را با تأکید بر گفتمان آزادی و اخلاق بشناسیم. به عبارت دیگر، روشن تر این سؤال را پاسخ دهیم که؛ امروز ما به ترتیب به آزادی دانشگاه نیاز داریم یا اخلاقی بودن دانشگاه پس از اینکه دریافتیم که این دو تعبیر دقیقاً به چه معنا هستند، بگوییم که مقتضیات بسط دوگفتمان آزادی و اخلاقی بودن در دانشگاه در این جامعه چه خواهد بود.

من با تعریف شروع می کنم و اشاره می کنم که برای بسط این مقال حتماً فضای بیشتری لازم است. در فارسی ما در این زمینه منابع خیلی کمی داریم. من کتاب مستقلی که به طور مسطوفی و مدون به مفهوم آزادی دانشگاهی یا دانشگاه اخلاقی پرداخته شده باشد نمی شناسم. از همین فرصت می خواهم استفاده کنم و دوستان پژوهنده حوزه های تعلیم و تربیت، تاریخ آموزش عالی، فلسفه اخلاق و حوزه های مرتبط را دعوت کنم به اینکه مفهوم آزادی دانشگاهی و مفهوم اخلاقی دانشگاهی مفاهیم کلیدی هستند و تولید متن فارسی در این زمینه شایسته است که در دستور کار قرار گیرد.

به رغم بدهاوت اولیه این مفاهیم ما با این مفاهیم بیگانه ایم. من خودم این تعبیر را خیلی کم شنیدم و دوست دارم از دوستان مخاطب حاضر یا غایب بپرسم که آیا شما که علی الاصول باید دوست دانشگاهی بزررگوار بنده باشید، در دهه های اخیر خود این ترم و اصطلاح آزادی آکادمیک را چقدر شنیدید؟ چقدر مفهوم پردازی شده؟ چقدر برای دستیابی به اون تلاش کردیم؟ در یکی دو دهه اخیر درباره اخلاق حرفه ای زیاد شنیدیم. یعنی یکی از حوزه های ذیل اخلاق کاربردی یا Applied ethics و به تناسب اون ما به مقوله تقلب، تخلف و سوء رفتار دانشگاهی ها نزدیک شدیم و

نشست دی ماه با عنوان :

" گسست و پیوست آکادمی و اخلاق: نگاهی بر دو گفتمان دانشگاه آزاد و دانشگاه اخلاقی در سیر تکوین دانشگاه مدرن "

سخنران:

اردشیر منصوری



نشست دی ماه انجمن ایرانی اخلاق در علوم فناوری در سال ۱۳۹۹ با سخنرانی جناب آقای اردشیر منصوری برگزار شد. گزیده ای از نشست در ادامه ارائه شده است:

جناب منصوری در ابتدای بحث پس از عرض سلام، به خانواده های جان باختگان در حادثه کوهستان تسلیت عرض کردند در ادامه بیان داشتند: چنان که اعلام شد موضوع ارائه امروز بحثی در مورد اخلاقی دانشگاهی است. همان طور که اعلام شد «دانشگاه و اخلاق، گسست و پیوست» موضوع محوری بحث امروز ماست با زیر عنوان «تأکید بر دو

این پرسش که حقیقت علمی، چیست و چه کسی تشخیص دهنده ی آن است را با ارجاع به نخبگان دانشگاهیکه بن مایه تعریف ما از آزادی آکادمی است، پاسخ می دهیم. آزادی آکادمیک آزادی اهل اندیشه و عصاره خرد علمی یک جامعه است. به مقداری که این آزادی محدود بشود دسترسی به حقیقت به تأخیر در می آید. بنابراین اگر نهادهایی بخواهند سلطه پیدا کنند به دانشگاه، چه در داخل دانشگاه چه در بیرون دانشگاه، چیزی که از بین می رود، آزادی آکادمیک است. به تعبیر نهایی آزادی آکادمیک عنصر ذاتی دانشگاه است. اگر بخواهیم به سیاق جمله ها و نقل قول های مشهور صحبت بکنیم، دانشگاه باید مطلقاً آزاد باشد و دانشگاهی که مطلقاً آزاد نیست، دانشگاه نیست. اما آیا دانشگاهی که مطلقاً آزاد هست، هیچ قید دیگری لازم ندارد؟ آیا نمی شود دانشگاه مطلقاً آزاد هم به بیراهه و خطا برود؟ قسمت پایانی صحبت من پاسخ به این سؤال خواهد بود.

اولاً بپذیریم که خطای دانشگاهیان امر غیر ممکن نیست اما نکته این است که چنین خطایی رو چه کسی تشخیص می دهد؟ کدام مرجع است که می تواند خطای دانشگاهیان را از آن جهت که دانشگاهی هستند یعنی پژوهنده و آموزنده دانش هستند را کشف کند و تذکر بدهد؟ کسانی که تعریف آزادی آکادمیک را بنا نهادند، کسانی هستند که معتقدند خطای محتمل دانشگاهیان باید به وسیله دانشگاهیان شناسایی بشود، تذکر داده بشود، گفته و بر ملا شود و موجب تصحیح روندهای علمی دانشگاهیان باشد.

البته یک تفاوت کوچک هست بین «آزادی آکادمیک» و «استقلال آکادمیک». این توضیح را می دهم و بعد وارد مدخل بعدی یعنی اخلاق دانشگاهی می شوم. آنجایی که ما از استقلال دانشگاه صحبت می کنیم بدین معناست که نهادهایی مانند نهاد ثروت، نهاد قدرت و حتی نهاد دین، روی نهاد علم سایه نیندازد. ما نهادهای مختلفی داریم که هر کدام به نحوی نقش ایفا می کنند. نهاد اقتصاد و ثروت در واقع مالیه ی جامعه را به حرکت درمی آورد و ما می دانیم که قدرت و علم هم بدون معونه مالی نمی توانند حرکت کنند. حتماً رابطه ای بین نهاد علم و نهاد ثروت برقرار است اما این رابطه نباید از جنس سلطه باشد. آزادی و استقلال، نافی ارتباط حوزه ها نیستند. اگر سلطه ای از بیرون نهاد علم، علم را تهدید کند، دانشگاه را تهدید کند، چه اون نهاد، نهاد ثروت باشد، چه نهاد سیاست و قدرت باشد، چه نهاد دین باشد، آنجا استقلال دانشگاه از بین رفته است. درباره ثروت و قدرت توضیح خواهم داد. اشاره کوچکی به رابطه نهاد دین و علم داشته باشم. آنجایی که ما از استقلال علم از دین صحبت می کنیم به این معنی نیست که هیچ گونه رابطه ای بین علم و دین نیست. در خود بستر مغرب زمین درباره علم و دین کتابها نوشته شده است. در ایران هم کتاب مشهور «ایران بارگو» که ترجمه آقای خرمشاهی است، حداقل کتابی است که عموم دانشگاهیان می شناسند. علم می تواند برای دین پرسش

این اصطلاحات را گاهی داشته ایم و درباره آنها مطلب نوشتیم و خواندیم و بحث کردیم اما در مورد آزادی دانشگاهی خیلی کم مطلب گفته شده گویی ما به اون اوج آزادی آکادمیک رسیده ایم یا شاید اساساً این مفهوم اهمیتش را نزد ما از دست داده و ما به اون حساس نیستیم.

در اینجا تعریف آزادی آکادمیک را بر اساس فرهنگ بریتانیکا خدمتتان تقدیم می کنم و بحثم را بر این تعریف استوار می کنم. آزادی استادان و دانشجویان برای آموزش، مطالعه، پی جویی دانش و پژوهش بدون دخالت نابخردانه یا ایجاد محدودیت از سوی مراجع حقوقی به وسیله مقررات نهادهای یا فشار افکار عمومی، آزادی آکادمیک نامیده می شود.

انتخاب موضوع برای تدریس یا برای تحصیل، نباید از بیرون دانشگاه یا در همان داخل دانشگاه با محدودیت مواجه بشه یا فرصت آن از استادی ستانده شود. استاد باید آزاد باشد موضوعی که مورد علاقه او است را با هم قطارهای خودش در میان بگذارد و بدون هرگونه سانسور و قضاوتی بتواند آن را منتشر کند. در بریتانیکا آنجایی که آزادی آکادمیک برای استاد توضیح داده می شود تأکید به این است.

آنجایی که برای دانشجو مفاهیم دقیق می شود گفته شده آزادی مطالعه در هر موضوع، آزادی بیان و بیان فهم خود. می بینید که نکته خیلی ظریف است. وقتی برای دانشجو گفته می شود آن تأکیدی که درباره استاد هست اینجا نیست. اینجا از ممیزی آسان سخن به میان می آید. یعنی ممکن است برای نوشته دانشجویان بشود نظارتی گذاشت ولی نوشته ی یک استاد دانشگاهی باید بدون هرگونه ممیزی منتشر بشود. چنین چیزی آزادی دانشگاهی است. از این تعریف های رسمی در بیاییم. ببینیم ان قلت و یا چالش محتمل که بر این تعریف می شود بار کرد، چیست؟ ممکن است کسی بگوید که ممکن است استادی در دانشگاهی پیدا بشود و چیزی بگوید خلاف حقیقت یا خلاف مصلحت عمومی. آیا تا آن حد باید آزاد باشد؟ امروز آزادی آکادمیک از همین سؤال شروع می شود. سؤال این است که چه کسی تشخیص می دهد که استادی خلاف حقیقت گفته است؟ چه کسی تشخیص می دهد که استادی خلاف مصلحت عمومی حرف زده است؟ چه کسی بیرون از جامعه استادان دانشگاهی صلاحیت دارد تا حقیقت را تعریف کند؟ حقیقت که امر عینی و objective نیست که آنجا باشد و افکار عمومی بتوانند ببینند که این استاد حقیقت گفته است یا نه؟ حقیقت علمی و حقیقت مباحث علمی، یعنی آنچه که مورد اجماع خبرگان یک حوزه است و اگر استادان دانشگاه خبرگان به حساب نیایند چه کسی پس باید به حساب بیاید؟ کدام نهاد بیرون از دانشگاه است که صلاحیت دارد تشخیص بدهد حقیقت چیست و به یک آکادمیسین، به یک شخصیت دانشگاهی القا بکند که تو الان در سبیل حقیقت طی طریق می کنی یا نه؟

ندارد. اما اشکال آن جایی است که دانشگاه بخواهد حساب ببرد از نهاد قدرت برای روندهای خودش و اینجاست که از درون تهی می شود و از جوهره اصلی خودش فاصله می گیرد.

عنوان دومی که در مقام تعریف باید به آن می پرداختیم مقوله ای است به نام «اخلاق آکادمیک». ما با اخلاق به طور کلی آشنا هستیم اخلاق علم فضیلت هاست یا اخلاق هنجاری مجموعه ای از بایسته ها و نبایسته هاست برای اجتناب از شر و میل به خیر. اخلاق، حوزه به رسمیت شناختن حقوق دیگری و برجسته سازی وظیفه خود در مقابل حق دیگری است. اینها را ما می دانیم اما آنجایی که به اخلاق آکادمیک می رسمیم، یک فهم تقلیل گرایانه از اخلاق دانشگاهی این است که ما فکر کنیم اخلاق دانشگاهی یعنی رفتار منفرد دانشگاهیان. یعنی دانشجو، استاد و کنشگر دانشگاه مثلاً دروغ نگویند، خیانت نکنند، تقلب نکنند. درحالی که اینها شرط پایه ای و لازم ولی به درستی ناکافی برای اخلاق آکادمیک است. اخلاق دانشگاهی فقط اخلاق کنشگران دانشگاه نیست. توضیح خواهیم داد که از چه دوره ای تأکید فوق العاده بر فرآیندهای دانشگاهی شده است. یعنی می شود دانشگاهی در نظر گرفت که یک استاد هیچ خطای شخصی نکند اما خروجی او به عنوان یک دانشگاهی به شدت غیراخلاقی باشد که در این باره صحبت خواهیم کرد.

همانگونه که گفته شد در مقام تعریف اخلاق آکادمیک اخلاق فرآیندهای دانشگاه یعنی آموزش و پژوهش است و اخلاق تولید دانش است. اخلاق دانشگاهی یعنی من بتوانم دانش تولید کنم. آیا مطلق در هر زمینه ای دانش تولید کنم اخلاقی خواهم بود؟ اگر خروجی دانش من منجر به لطمه به طبیعت و جامعه بشود و به هدر رفت منابع بیانجامد آیا من به اصطلاح همچنان دانشگاهی مطلوبی خواهم بود؟

بنابراین در اینجا به یک تعارض می رسمیم. اونجایی که درباره آزادی دانشگاهی می گفتیم بحثمون این بود که هیچ محدودیت و نظارت نابخردانه ای نباید تحمیل بشه به مطالعه و روندهای آکادمیک. و حالا اینجا تو اخلاق داریم می گیم که انگار بعضی از پژوهش ها ممکنه نابخردانه باشند. بنابراین علیرغم تعارض اولیه بین آزادی و اخلاق اگر دقت کنیم می بینیم که اینجا به هیچ وجه تناق بنیادی نیست بلکه ملاحظه و تبصره است. گویی عامی داریم که داره تخصیص می خورد. این تخصیص از درون دانشگاه پیدا می شه و از درون عقلانیت اهالی دانشگاه نشات گرفته است.

بنابراین، گفتمان آزادی گفتمان معطوف به حذف نظارت های خرد ستیز آزادی سوزه اما گفتمان اخلاقی معطوف به ملاحظات است که اگر اونها را نداشته باشیم خروجی دانش می تونه به جامعه، به محیط زیست، به آنچه که ذیحقان جامعه دانشگاهی به حساب می آیند، لطمه وارد کند.

افکنی کند و دین می تواند برای علم پرسش افکنی کند. گاهی ارزش های دینی ممکن است خواسته یا ناخواسته روی نگاه محقق اثر بگذارند. رابطه بین علم و دین را ما نفی نمی کنیم. چیزی که الآن مباین استقلال دانشگاه است این است که نهاد دین از بیرون تعیین کننده حقایق در علم باشد. شعار استقلال دانشگاهیان، همون شعاری است که در فرهنگ ما با جمله مشهور «نحن ابناء الدلیل» گفته می شده است. دانشگاهیان خودشان را فرزند دلیل می دانند و باید بدانند.

پس استقلال آنجاست که ما نهاد دانشگاه را با بیرون مقایسه کنیم اما آزادی آکادمیک جایی است که احیاناً عامل محدودیت ها از درون دانشگاه باشد. یعنی خود دانشگاهیان و خود دانشگاه حق ندارد فرآیندهایی وضع بکند برای این که جلوی پرسیدن و مطالعه کردن استاد را بگیرد یا آن را جهت دهی بکند.

ما فعلاً داریم تعریف می کنیم. تعریف آزادی آکادمیک که در پیوست با استقلال دانشگاهی است. این است که دانشگاه، فارغ از محدودیت، اهالی دانشگاه، استاد و دانشجوی دانشگاه، فارغ از کنترل و محدودیت، بتوانند در جستجوی حقیقت، پویش داشته باشند و محصول آن را به همدیافان و هم قطاران اعلام کنند. پس در مقایسه، آزادی یک امر درون سپهر آکادمیک است. رهایی تفکر دانشگاهیان از قید و بند زاید برای وصول به حقیقت است و استقلال آنجا است که تصمیم فرآیندهای کلی دانشگاه به وسیله دانشگاهیان گرفته بشود. فرآیندهایی مثل جذب استاد، ارتقای استاد، جذب دانشجو و تصویب موضوع پژوهش. اگر اینها به وسیله دانشگاهیان انجام بشود استقلال دانشگاه حفظ شده است. اگر یک فرد دانشگاهی از ریاست دانشکده، از حراست، از هیأت امنا و دیگران حساب نبرد تا خود را سانسور کند، آنجا آزادی آکادمیک فراهم است. پس آزادی و استقلال گرچه تمایز ظریفی دارند ولی به هم چسبیده اند و وصف ذاتی دانشگاهند. دانشگاهی که این عنصر را نداشته باشد، تهی از معناست.

چرا دانشگاهی که آزاد نباشد دانشگاه نیست؟ چون رسالت جوهری و گوهری دانشگاه اگر گشودن مرزهای دانش باشد، یعنی کشف حقایق بیشتر، با قید و بند زدن و ترسیدن و ملاحظه ای غیر از روند استدلال و تجربه و کشف، اگر دانشگاهی بخواهد ممیزی بشود، طبیعی است که حقیقت سرپوش نهاده شده است و دانشگاهی که کاشف حقیقت نباشد، بر اساس تعریف، هر چیزی هست جز دانشگاه.

آن چیزی که ممکن است دانشگاه را از این جوهره خودش دور نماید، برخی ملاحظات هستند مانند: دانشگاهی که به یک بنگاه تولید تکنولوژی برای یک نهاد سرمایه داری، برای نهادهای ثروت یا اقتصاد تغییر پیدا کند، یا اینکه دانشگاه به بازوی مشورتی برای قدرت تغییر پیدا کند. این اصلاً اشکال ندارد که دانشگاه و قدرت با هم مرتبط باشند. بسیار پذیرفته و بایسته است که دانشگاه و قدرت تعامل داشته باشند. این هیچ اشکال

توانید لاجیک را متعین نمایید. لاجیک همون چیزی است که ما به آن می‌گوییم منطق که از اوگوست ماخوذ است.

در برابر در دوره قرون وسطی آموزه های وحیانی آمدند که نهادینه شوند و ممکنه رقیب هایی داشتند. دوستانی که سرگذشت آگوستین قدیس و تاثیر اون در آغاز قرون وسطی را به یاد می آورند توجه دارند که اونجا چگونه آگوستین به خردی که مدعی شناخت و حقیقته طعنه می زنه. پس می‌تونیم گفتمان مسلط قرون وسطی را گفتمان نقل گویی بدونیم که عقل را خادم خودش می‌خواهد. سایه وحی گرایی قرون وسطی متاخر زمینه را برای دوره سوم مهیا کرد.

دوره سوم یعنی رنسانس نوعی تجلیل عقل گرایی را ایجاد می‌کند که ما اینجا گفتمان استقلال دانشگاهی را داریم. تاسیس مدرسه هایی کمی مستقل از صومعه ها و در توضیحش می‌خوانیم که به زبانی غیر از زبان مسلط هم چیز خوانده می‌شه و تفکر این سینایی و ابن رشدی که حامل عقل گرایی است وارد می‌شه و انجا مدرسه های نیمه مستقلی تشکیل می‌شوند تا بتوانند بیرون از سایه راهبان صومعه ها در رم و فونتردام فرانسه و در جاهایی دیگه ای که مدارس سنتی فعال بودند و اون جریان نقل گرا وجود داشت، فعالیت کنند. در چنین دوره ای زمینه های استقلال پدید می‌آید ولی ما با اخلاق و اینا سرو کار نداریم و این مفهوم مساله دوران نبوده. مساله استقلال است. نخستین دانشگاه هایی که با توجه به مفهوم استقلال شکل گرفتند و ماموریشان آموزش بوده، دانشگاه سوربن و دانشگاه پاریس در دهه ی اول سده ی ۱۳ پیش از میلاد بودند و بعدها دانشگاه آکسفورد و دانشگاه کمبریج.

که همه به فاصله ۸ یا ۹ سال ساخته شدند. چند دانشگاه متولد می‌شوند که کارشان آموزش است. فرار از غول های دانش در این دوران دیده شد. تعبیر غول ها را ما از متفکران بعدی گالیله و اینها داشتیم که منظور آنها این بود که از غول های گذشته دانشی باید منتقل بشه به دانش وران و دانشجویان جدید.

در این دوران تولید علم کجا بوده؟ در دوره های پس از رنسانس و مدرنیته اول تولید علم در انجمن های علمی شکل گرفت. برای مثال انجمن سلطنتی بریتانیا که حمایت می‌کنه از مطالعات کسای مثل نیوتن و گالیله. حالا آیا اندیشمندان آزاد بودند که یافته هاشون را منتشر کنند؟ یا نه؟ چنین بود که استقلال و آزادی از دانشگاه مدرن شروع می‌شه.

فرانسوی، ایتالیایی/اسپانیایی، انگلیسی و آلمانی ۴ سنت مهم دانشگاه در زمان مدرنیته بودند. با مقدار قابل توجهی تاخیر بعدها شاهد سنت روسی و سنت آمریکایی بودیم. ۴ سنت اولیه، موجی از کنش دانشجویان را ایجاد می‌کنند که خیلی جریان دلکشی در آزادی و عدم آزادی دارد. برای مثال از قرن چهاردهم به ترتیب از فرانسه وانگلیس موج دانشگاهی شروع می‌شه تا می‌رسد به قرن هجدهم که ما به یمن متفکر برجسته همه دوران

تا اینجا کار ما تعریف کردیم و نسبت آزادی و اخلاق را گفتیم. چیزی که به نظر می‌آید خیلی حرف تازه ای نبود. فقط من نیاز داشتم به این تعریف برای اینکه بتوانم بحث اصلی را پیش ببرم و اون بحث اصلی وضعیت اینجا و اکنونی ماست به مثابه دانشگاهیان. قلمرو ملتی به نام ایران ببینیم که ما در کجای تاریخ هستیم و کدام مساله، مساله حیاتی ماست و در مقایسه با روندی که دانشگاه در محل تولدش یعنی مغرب زمین داشته ما کجای کاریم؟

یک توضیح اجمالی عرض کنم که وقتی من از دانشگاه غربی صحبت می‌کنم امیدوارم که سوء تفاهم پیش نیاید حتما بیرون جامعه دانشگاهی این جمله ها محل سوء تفاهمه که چرا از قید غربی استفاده می‌کنیم. بیرون دانشگاه خواهند گفت که ما جندی شاپور داشتیم ما نظامیه بغداد داشتیم و .. و چرا شما از قید غرب استفاده می‌کنید؟ پاسخ اینه که بله ما مدرسه هایی داشتیم که اونها حفظ شدند. ولی آنچه که ما امروز دانشگاه می‌نامیم، رشد یک تجربه در بیرونه. ما یونیورسیتیه را در ۱۳۱۳ تاسیس کردیم در حالی که اسم دانشگاه بر آن گذاشتیم. به هر حال نهادهای مدرن فرزند مدرنیزاسیون در ایران بودند. کسای مثل علی اصغر حکمت و دیگران با حاکم وقت صحبت می‌کنند که ایران یک چیز کم دارد تا کاملا مدرن شود و آن یونیورسیتیه است و سپس مدتها طول کشید تا ما واژه دانشگاه را ساختیم. از این روی تأکید من روی قید غربی، فقط از آن جهت است که یادآور شوم که ما چیزی را وارد کردیم ما نیامدیم حوزه علمیه مدرسه علمیه سنتی خودمان را کمی تغییر بدیم و به دانشگاه تبدیل کنیم.

با این توضیح عرض می‌کنم که برای اینکه بفهمیم ما در کجا هستیم و چه چیزی را وارد کردیم و آنچه که وارد شد چه سیری را طی کرده و ما در کجای آن سیر هستیم یک نگاه تاریخی داشته باشیم به سیر آکادمیک در غرب. من برای اینکه بتوانم منظورم را به شما منتقل کنم، سیر آکادمیک در غرب را به ۳ دوره تقسیم کردم.

دوره اول، دوره یونان باستان بود. به نظرم میاد که در مغرب زمین آکادمیان یونان به نوعی بانیان تولد دانشگاه در غرب زمین بوده اند. در قرون ۵ و ۴ و ۳ قبل از میلاد که در اونجا مساله آزادی و استقلال آنچنان مطرح نبوده، مفهوم آکادمی ایجاد شد و افلاطون آکادمیا را بنا نهاد و در آنجا شاگردان و علاقمندان به علم جمع شدند که بعدها با ارسطو، رواقیون و ... تحولاتی در آن ایجاد کردند. به هر حال آکادمیا در اونجا رخ داد. ما در نخستین دروه تشکیل آکادمیا اصطلاحاتی مانند آزادی و استقلال آکادمی را نداشتیم. اخلاق دانشگاهی یا آزادی دانشگاهی مساله اش اصلا وجود نداشت.

دوره دوم، دوران قرون وسطی بود. در دوره دوم یعنی در مدرسه ی قرون وسطی آغاز و میانه، نوعی نقل گرایی و نوعی اتصال به آموزه های وحیانی، به گونه ای که عقل را خادم خودش می‌خواهد، رونق گرفت. بنابراین، اگر گفتمان آکادمیای اول را گفتمان عقل گرایی بدانیم، در آکادمیای اول می

دانشکده حقوق و دانشکده طب و دانشکده الهیات. اینا دانشکده های فرادستند یعنی مورد توجه حاکمیتند. حاکمیت برای سلامت تن به طب نیاز داره، برای ایجاد قانون به حقوق نیاز داره و سنت دینی هم که سبیره. موقعی که کانت مقاله می نویسه و مقاله او به سانسور برمی خوره و چاپ نمی شه و او آزرده خاطر می شه نامه هایی می نویسه و پیمان می بنده که من قول می دهم تا تو هستی دیگه راجع به دین حرف نزنم و بعد هرآنچه که راجع به متافیزیک می گه درصدد اینه که اثبات کنه اینا فلسفی هستند نه متافیزیکی. بگذارید دانشگاه فرودست فلسفه هم نفس بکشه.

یادمون باشه که تا قبل از قرن ۱۹، وقتی می گفتیم فلسفه یعنی جامع علوم؛ مثلاً به فیزیک در قرن ۱۶ و ۱۷ می گفتند *natural*

philosophy به سیاست می گفتند *political philosophy*.

با این وجود، آزادی مساله آکادمیا و دانشگاهیه که در اون سلطه نهادی از بیرون با ملاحظاتی از درون اجازه چاپ مقاله به ایمانوئل کانت نمی ده و انجا گفته می شه که کانت توطئه می کنه داره با دین مردم بازی می کنه و باید قول بده که دیگه با کتاب مقدس شوخی نکنه و کانت اونجا مجبور می شه نامه بنویسه و توضیح بده که اگر من استشهد آوردم به ۳ آیه از کتاب مقدس این به این معنی نیست که من معنی کتاب مقدس را تحریف کردم و چه و چه. بنابراین اون موقع هنوز ما مساله اخلاق آکادمیک همچنان نداریم مساله مساله آزادیه چون سانسور راه را بسته. خب این جریان ادامه پیدا می کنه تا قرن ۱۹ تا ۲۰ ما نخستین موج های اخلاق دانشگاهی را در نیمه دوم قرن ۱۹ و ۲۰ می بینیم. کلپ هایی تشکیل می شوند. مثلاً در قرن ۲۰ دانشگاه باشگاهی در زمینه علم و اخلاق *inmoral science* علوم اخلاقی شکل می گیرد. حالا اینکه چرا اسم باشگاه این جوریه شده؟ کیا توش عضو بودن؟ دغدغه های اونا چی بوده؟ جای مطالعه داره.

اینجا من یک دوره ای رو باید اشاره می کردم که در مدرنیته متاخر چگونه آموزش و پژوهش با هم پیوند خوردند. در این دوره فقط آکادمی برای آموزش نبوده بلکه تولید علم از انجمن های علمی منتقل شد به دانشگاه. وقتی شما پژوهش را به دانشگاه گره می زنی فارغ از اینکه دغدغه آزادی وجود داره یک دغدغه ی دیگری هم به میان می آید و آن دغدغه اخلاقی است. اخلاق کجاست؟ اونجایی که ملاحظه ما این است که دانشگاهیان در کار پژوهش علمی چه می کنند؟ چه موضوعی را انتخاب می کنند؟ خروجی هاشون چگونه است؟ و بگذارید من مثال آیا برای اینکه ما بتوانیم یک مقاله استخراج بکنیم چه کار کنیم با دادهها آیا داده سازی می کنیم؟ آیا داده ها را دستکاری می کنیم؟ خب اینجا یک فهرستی از سوءرفتارهای آکادمیک می آید مثل تقلب مثل سرقت علمی و چیزهای دیگه. خیلی حیفه که ما دغدغه اخلاق دانشگاهی را تقلیل بدیم به این مقدار.

ها یعنی ایمانوئل کانت خبرای خوبی از وضعیت دانشگاهی داریم. در سال ۱۷۸۵ اگر اشتباه نکنم اون مقاله درخشان روشن اندیشی کانت منتشر می شه که اشاره بسیار مهمی اونجا داره که می تواند برای همه دوستان دانشگاهی جذاب باشه. وقتی از کانت می پرسند که روشن اندیشی چیست و او به این سؤال می خواد پاسخ بده پاراگراف درخشان کانت رو حتماً اهل فن حفظ هستند و خیلی معروفه "روشن نگری خروج آدمی است از نابالغی به تقصیر خویشتن خود؛ و نابالغی ناتوانی در به کار گرفتن فهم خویشتن است بدون هدایت دیگری".

ما کودکی ناگزیر داریم. کودکی به تفسیر خویشتن اگر از اون در امد او به روشن اندیشی رسیده اونوقت کودکی به تفسیر خویشتن چیه؟ ناتوانی یا نخواستنه. یعنی انسان درحالی که طبیعت به او بلوغ داده که فهم خودش را به کار ببرد، جرأت نکنه فهم خودش را به کار بیره. وقتی کانت از جرأت اندیشیدین حرف می زنه مثال و مصداقی که اونجا می گه فوق العاده مهمه می گه شما به عنوان یک شهروند خوب باید مطیع قانون باشی اما اونجایی که جای اطاعت نیست بلکه جای فهمیدن و بیانه شما باید جرأت داشته باشی بیان کنی. از نظر کانت، جامعه به سامان، جامعه ای است که در آن اهل اندیشه ضمن اینکه در عمل تابع مقررات هستند تا نظم اجتماعی به هم نخورد در نظر روی پای خودشان بایستند.

به ظرافت تمام کانت سه تا جامعه را در مقابل ما می گذارد:

جامعه استبدادی: جامعه ای که از شما می خواهد اطاعت کنید و بحث نکنید.

جامعه آنارشیزست: جامعه ای که از شما می خواهد اطاعت نکنید و بحث کنید که ناپهتجار و به هم ریخته است.

جامعه مطلوب کانت: جامعه ای که از فرد می خواهد اطاعت کند و بحث کند. و اونجا کانت توضیح می دهد که شریف ترین جا برای بحث کردن درباره آنچه حاکم است، دانشگاه است. البته تو اون مقاله روی دانشگاه تأکید نداره ولی مثال هایی می زند که کشیشی که در مقام ابلاغ رسالت کشیشی اطاعت می کنه اما در مقام یک دانشمند نه. اینجا هست که دانشمند حق داره چالش های الهیاتی ذهن خودش را دنبال کنه.

به هر حال بعد از فردریش کبیر که ۱۸۰۶ از دنیا می ره، فردریش بعدی آزادی رو از بین می ره که حدود ۱۱ سال او حاکم بوده این دوره دوره ی اوج استبداد آکادمیک بود. در این زمان مقاله درخشان کانت منتشر می شه که بر چالش ها و تعارض های در واقع فاکولتی های دانشکده ها تاکید داره و خوشبختانه امسال به زبان فارسی هم ترجمه شد و توصیه می کنم حتما دوستان بخوانند. لذا در دو سه مقاله نزاع دانشکده ها ما می بینیم که چه سانسور عجیبی از طرف دانشکده الهیات تحمیل می شه به دانشکده فلسفه. مقاله خیلی جالبه اونجا کانت دانشکده ها را به دانشکده های فرادست و فرودست تقسیم می کنه. دانشکده های فرادست کدامند؟

دانش آزاد دانشی که در آکادمیای آزاد فارغ از سلطه های قدرت به جایی می رسه که خود دانشگاهیان را به تفکر وا میداره.

اخلاق آکادمیک یعنی حوزه ملاحظات خیر و شری که در اثر روندهای علم و تکنولوژی مساله شون اینجا دیگه بحث سوءرفتار یک استاد نیست که به اندازه کافی وقت برای دانشجویش گذاشته یا نه و مواردی چون: دادن اطلاعات ناقص به دانشجو ، به روز نبودن ، وقت کافی به دانشجو اختصاص ندادن و ... اخلاق فردی دانشگاهیان است . اما اونجایی که من موضوع انتخاب می کنم. اونجاییکه ما در هدایت تحصیلی استعدادها را دست چین می کنیم و هدایت می کنیم تو یک رشته ای، بحث و ملاحظات اخلاقی است. استعدادهای خاص جذب رشته های پزشکی بشوند و بعداً وارد بازار سود و سرمایه شوند برای مثال جراحی پلاستیک و زیبایی به خاطر اینکه نفع اقتصادی توشه بیشتر رتبه اول های ما را جذب بکنه و دانشگاه و استعداد یک جامعه متمرکز بشه تو اون قسمت. یا برای مثال تو حوزه فنی و مهندسی ماست دانشجویهای رتبه اول ما جذب چی می شوند؟ توی هنرها. جذب طراحی صنعتی بشوند بعد سر از کجا دریاورند. فلان

کارخانه ای که توی فرانسه و چین می خواهند طراحی اتومبیل بکنند. برای اینکه بازار سرمایه بتونه رونق پیدا بکنه. اینا دیگه به مسائل عمده ای مثل فقر و صلح و جنگ که روی میز بشریت است یا مساله آسیب محیط زیست که روی میز بشریت است توجه نمی کنند. بنابراین آکادمی آزاد که از سلطه قدرت و دین خودش را نجات داده بود توی قرن بیستم خودش را تو سلطه ی نظام های سرمایه داری گرفتار دید. نهاد اقتصادی افق دید کوتاه مدت داره. بنابراین، اون آزادی آکادمیک دوباره به یک معنا باید احیا بشه و تا بعد ملاحظات اخلاقی که در ان کاستن از رنج و افزایش خیر هدف اصلی است، بتونه دغدغه ما باشه .

ما در جامعه خودمون جامعه ایرانی به ۲ تا چیز نیاز داریم یکی فهم گفتمان آزادی در کنار گفتمان اخلاق و دوم ارتقای مفهوم اخلاق آکادمیک از اخلاق آحاد دانشگاهیان به اخلاق فرایندهای آن. ما امروز نیاز داریم به احیای این دو جریان و دو گفتمان. بنابراین، این عرض پایانی بنده به بزرگواران دانشگاهی اینه که اگر دانشگاهیان به فکر آزادی دانشگاهی نباشند، جوهر دانشگاه از اون ذاتیات خودش تهی خواهد شد.

کنم هستم. در سنت اسلامی، این واژه بسیار کهن، بسیار قدیمی و معنادار است و متأسفانه متروک شده بود و من سعی کردم در نوشته‌هایم بر این واژه که بسیار دقیق است، تأکید کنم. انتحال یعنی به خود بستن. چون هنگامی که ما می‌گوییم سرقت علمی، سوء تفاهم‌های گسترده‌ای رخ می‌دهد. دانشجوی دکتری من آمده نزد من و می‌گوید اگر من به کسی پول بدهم برای من رساله بنویسد چه اشکالی دارد. میگم این انتحال است. می‌گوید سرقت که نیست من رضایت می‌گیرم، پول می‌دهم کار می‌گیرم. راست می‌گوید این سرقت علمی محسوب نمی‌شود. چون با رضایت کسی در بازار سیاه موجود من کاری را به نام خودم منتشر کردم ولی انتحال محسوب می‌شود. اینجاست که من خیلی برایم مهم است که بحث انتحال را از بحث سرقت تفکیک کنم.

سرقت علمی و سرقت ادبی گویای پدیده انتحال نیست. چرا؟ چون سرقت، نقض مالکیت، نادیده گرفتن مالکیت است. مالکیت در منظر حقوقی، یک قرارداد، یک توافق، یک جعل است، یعنی من خانه‌ای را می‌خرم از شما و مالک آن می‌شوم، سپس این خانه را می‌توانم به کس دیگری واگذار کنم یا بفروشم. اگر من ساعت شمارا بدزدم مالکیت شمارا نقض کردم سارق هستم، ولی شما اگر آمدید و از ساعتان گذشت کردید و گفتید من پیگیری قانونی نمی‌کنم، ساعت را به خودت می‌بخشم. می‌شوم مالک این ساعت. لذا سرقت به راحتی قابل اصلاح است، قابل رفع و قابل جبران است ولی در انتحال این طور نیست. اگر من مقاله‌ای را از شما برداشتم و به نام خودم منتشر کردم و بعد شما گفتید اشکالی ندارد، باز هم انتحال است. یعنی رضایت شما اینجا بحث نیست چرا چون اصولاً رابطه نوشتن و تولید چه در نقاشی، عکاسی و نگارش رابطه مالکیت نیست، درسته ما اصطلاحاً می‌گوییم مالکیت ولی این رابطه خلاقیت و رابطه آفرینش گریست و هنگامی که من چیزی را می‌آفرینم آن چیز از آن من است. هیچ اتفاقی در عالم نمی‌تواند این رابطه خلاقیت و خلاقیت و آفرینندگی را نقض کند. درست مانند مادری که فرزندی به دنیا می‌آورد حتی اگر این مادر بگوید این فرزند از آن من نیست و آن را به دیگران ببخشد، بفروشد همچنان مادر آن فرزند خواهد بود. در نتیجه اگر من تابلویی بکشم حتی این تابلو را به شما هدیه کنم باز هم این تابلو از آن من است. اگر مقاله‌ای بنویسم حتی بگویم اسم من را بردارید و بنام خودتان منتشر کنید ولی درواقع امر مقاله از آن من است. بنابراین بحث انتحال از این جهت بحث بسیار مهمی است و من معتقدم که این را نباید با مفاهیم حقوقی و قراردادی اشتباه گرفت.

در گذشته انتحال عمدتاً در عرصه ادبیات و شعر بوده درواقع به تعبیر مولانا "تا نباشد راست / کی باشد دروغ" "کان دروغ از راست می‌گیرد فروغ". همیشه انتحال بوده ولی در میان شاعران ابوالقاسم جیمیری صاحب کتاب کشف‌المحجوب که در قرن پنجم زندگی می‌کند می‌گوید: دربار کتاب من

نشست بهمن ماه با عنوان:

"انتحال از معضلی آکادمیک تا مساله‌ای جهانی"

سخنران: دکتر سید حسن اردکانی اسلامی



نشست بهمن ماه انجمن ایرانی اخلاق در علوم فناوری در سال ۱۳۹۹ با سخنرانی دکتر سید حسن اردکانی اسلامی برگزار شد. دکتر اردکانی، استاد برجسته حوزه اخلاق و فلسفه در کشور و استاد دانشگاه ادیان و مذاهب قم، پدیده انتحال را به عنوان معضلی آکادمیک و مساله‌ای جهانی مورد تحلیل قرار دادند که گزیده‌ای از نشست در ادامه ارائه شده است:

من سعی می‌کنم به چند پرسش پاسخ بدهم که انتحال چیست؟ و ۲- چرا انتحال صورت می‌گیرد؟ و ۳- چه جایگاهی بحث انتحال دارد؟ و ۴- چرا انتحال اخلاقی و یا غیراخلاقی است؟ و اگر فرصت شد برخی توصیه‌ها که چگونه باید از انتحال پرهیز کرد.

واژه انتحال به معنای خیلی ساده یعنی به خود بستن، کسی که کاری نکرده باشد و ادعایی کند، این انتحال کرده است. اگر من بروم و مدرک تحصیلی بخرم و بگویم من دکترا دارم این انتحال است، اگر مقاله کسی را بردارم و به نام خودم منتشر کنم این انتحال است، اگر پژوهش دیگری را به نام خودم منتشر کنم این انتحال است. یک نوع فیک در زبان امروزی بین جوانان رایج است. تخلف به این معنا که، آنچه را که نیستیم وانمود

آماري باشد و... و آن را از منبعی معین که می تواند کتاب باشد، مجله باشد، نقاشی باشد، فضای مجازی باشد، پایگاه های اطلاعاتی باشد و... بدون اعلام مناسب اخذ کرده باشد، انتحال کرده.

یکی از انواع انتحال ها پیچیده آن است که ما ارجاع می دهیم ولی ارجاعمان مناسب نیست، *prepare* نیست. این امر خیلی نکته مهمی است من توضیح می دهم. بدون ارجاع مناسب چه عمدی باشد، چه غیر عمدی باشد. و یکی از تفاوت های اصلی انتحال با سرقت همین است در سرقت شما باید احراز کنید که شخص قصد دزدی داشته ولی در انتحال لازم نیست احراز شود کافی این عمل رخ بدهد. در واقع به زبان ساده تر من بخواهم بگویم انتحال یعنی اینکه کسی چیزی را بدون اعلام مناسب از جایی بگیرد و به نام خودش منتشر کند این انتحال است. این انتحال در دنیای امروز شکل های بسیار پیچیده دارد از شکل بسیار ساده کپی پیست (*Copy-paste*) گرفته که در واقع میشود شتر را ما با بارش می دزدیم. کل کار را برمی داریم و یکجا به نام خودمان منتشر می کنیم. یک نمونه اش کتابی است که من دربارش نوشته ام. کسی آمده و کتابی نوشته درباره دیدگاه قرآنی علامه طباطبائی این کتاب درواقع کتابی است که یک نفر در عراق نوشته درباره دیدگاه قرآنی شریف مرتضی که در قرن پنجم هجری زندگی می کرد. بعد آمده کل این کتاب را به نام خودش قالب کرده و اسم خودش را هم روش گذاشته. اما این قدر این آدم شتاب زده بوده که حتی نکرده کار خودش را چک کند بعد داخل منبع که شما نگاه میکنید فقط این کار را کرده هر جا المرتضی بوده کرده الطباطبائی را جایگزین کرده، بعد طباطبائی که سید محمدحسین طباطبائی است در منابع که نگاه میکنی نوشته ابوالقاسم علی ابن الحسین الطباطبائی که همچنین شخصی وجود خارجی ندارد یعنی از طریق همین اشتباه کوچک مشخص است که کل کار درواقع انتحال بوده است، این کپی - پیست هست!

گاهی وقت ها ما انتحال را خیلی ظریف انجام می دهیم منابع را خلت می کنیم. چگونه کسی آمده بود از خود من بخشی از کتاب مرا برداشته در قالب مقاله منتشر کرده به کتاب من ارجاع نداده ولی در منابع یکی از مقالات مرا آورده. یعنی اگر کسی مطلب من را ردیابی کند در آن مقاله پیدا نمی کند اگر کسی مچش را بگیرد که شما این مطلب را از کی گرفتی میگوید از آقای اسلامی گرفتم، اینم تقلبه این انتحال! چون من این مطلب را در آن مجله، در آن مقاله ننوشته بودم در کتابم ننوشته بودم. گاهی وقتها ما میایم مطلبی را که چند صفحه از یک نفر نقل میکنیم ولی پاراگراف اول را به او ارجاع می دهیم و پاراگراف های بعد را ارجاع نمیدیم. خواننده نمی دونه پاراگراف های بعد، از ما هست یا از اوست، این هم انتحال است. هر نوع سوء رفتاری که در خواننده انتظار غلطی را پدید بیاورد و این تصور رو ایجاد کنه که کار از آن ماست ولی به واقع از آن ما نباشه این کار انتحال محسوب میشود. یکی از نمونه هارا من برای شما بگم که متأسفانه

را انتحال کردند و به نام خودشان منتشر کردند. سینوفی در قرن دهم رساله ای دارد بنام "الفارق بین المسلط والسارق" فرق گزارنده بین کسی که مؤلف یک اثری است و کسی که آن را می دزدد! سعدالدین تفتازانی در قرن هشتم میگوید پناه می برم به خداوند از کسانی که انتحال می کنند. همیشه انتحال بوده ولی دامنه آن بسیار محدود بوده چون اصولاً بیشتر انتحال در دربارها صورت می گرفته، مثلاً شعر دیگری را می دزدیدند و می بردند دربار و به نام خودم عرضه می کردم و صله ای می گرفتند.

در قرن بیستم که علم یک پدیده تجاری شد و تجارت علمی در جهان مقبولیت پیدا کرد به طور طبیعی انتحال هم گسترش پیدا کرد و الان همه جا هست. این گونه نیست که یک پدیده ایرانی یا خاورمیانه ای باشد پدیده ای جهانی است در چند سال گذشته در سال ۲۰۱۳ خانم آنت شوان وزیر آموزش پرورش آلمان به عنوان انتحال کارش آشکار شد که گفتند در رساله دکترای ایشان که درباره وجدان و منش اخلاقی در دنیای امروز بود ۶۰ مورد انتحال رخ داد بعد مجبور شد که از وزارت استعفا کند و دانشگاه دوسلدورف مدرک ایشان را ابطال کرد. بازهم همین چند وقت گذشته ما وزیر اتریشی داشتیم این اتفاق برایش افتاد. در همه جای دنیا رخ می دهد. ما ستاره های بالنده ای در عرصه روان شناسی داشتیم که این ها انتحال می کردند و بعدها به عنوان کسانی که انتحال کردن شناخته شدن. داشتیم یک کسی که در آمریکا در مدت یک دهه حدود ۷۰ مقاله علمی - پژوهشی منتشر کرد، بعد از یک دهه مشخص شد عمده ای کارهای ایشان متقلبانه و دروغین است.

امروزه، در جهانی زندگی می کنیم که نرم افزارهایی طراحی شده که این نرم افزارها شما به آن ها کلیدواژه می دهید، موضوع می دهید، عنوان می دهید برای شما مقاله می سازد. یعنی می رود میلیاردها صفحه را مرور می کند، اسکن می کند، بررسی می کند بعد هم مقاله تولید می کند. چند سال پیش در کره جنوبی کسی ادعا کرد که من موفق شده ام که سگی را کلونینگ کنم و بعد مقاله نوشت، در نیچر مقاله چاپ شد، دوتا مقاله نوشت، چهل میلیون دلار گرنت گرفت از دولت کره جنوبی، بعد از چند سال مشخص شد که کل قضایا دروغ بوده و تقلب بوده.

اکنون مجلات علمی اروپایی و آمریکایی مرتب دارند اعلام می کنند که فلان مقاله که ما قبلاً منتشر کردیم متأسفانه مشخص شده که این متقلبانه است و ما پس می گیریم. این مقاله اعتباری ندارد و متأسفانه در کشور ما این قضیه رواج بسیار زیادی دارد بسیار زیاد است. من بخواهم برای شما نام ببرم خیلی مفصل می شود و در نتیجه خیلی وارد جزئیات نمی شوم، اما دقیقاً انتحال چیست؟ بخواهیم توضیح بدهیم در انتحال چه رخ میدهد؟ وقتی ما میگوییم انتحال یعنی کسی، یعنی فاعل (*subject*، شخص) که می تواند، دانشجو باشد، استاد باشد، کاسب باشد و... چیزی را نوشته باشد، که این چیز می تواند عکس باشد، نقاشی باشد، جدول باشد، داده های

بالا گرفته بود و حتی شخصیت های معتبر و شناخته شده متهم شدن و به حاشیه رانده شدن و سرو صدا بالا گرفت و بی تفاوتی هایی رخ داد و حتی کار به مجلس کشیده شد. حتی مسئله در حد مدیران کلان کشور و وزیران مطرح شد که این متهم به انتحال شدن در حد گسترده که من وارد جزییاتش نمی‌شوم. الان به چند برگ آن روی سکه پدیدار شده و جریان عوض شده و شاهد حساسیت های جدی در باره مسئله هستیم.

بینیم چه کسانی دست به انتحال می‌زنند؟

در کشور ما و در سطح دنیا در مجموع سه گروه دست به انتحال می‌زنند:  یکی کتاب سازان هستند. هر جا کتاب خوبی هست، نویسنده معتبری هست، مطمئن باشید کنارش یک نویسنده نامعتبریست. آدم متقلب وجود دارد کتاب سازی میکند دنبال پول هست. مرحوم زرین کوب جایی مینویسه که در شهر ما انسان بسیار شریفی هست انسان اهل حقیقتی هست که هر کتابی که من مینویسم دو ماه بعد به نام ایشان منتشر میشود. این کتاب ساز معروف هم بوده حالا اینجا اسم نمی‌برم. این پدیده کتاب سازی در کشور ما و در خیلی از جاها رواج دارد. حتی کتابی در سوئیس چند ساله پیش منتشر شده بوده که خاطراتی بود بعد گفتند این کلا کتاب سازی است.

 دومین گروهی که ما شاهد این هستیم که دست به انتحال می‌زنند دانشجویان هستند برای رفع تکلیف، برای گرفتن نمره، برای گذراندن درس، برای پایان نامه نویسی و چیزهایی از این دست معمولاً دست به این کار می‌زنند و یک نمونه من برای شما بگم که خیلی خنده دار هست. یک ویراستاری هست دانشجوی سابق من بوده و به من زنگ زد میگوید که یک استاد برای من تعریف کرده بود که من دانشجویی با من رساله ای گرفته بعد آورده بود رساله اش را من اشکالاتی به این رساله گرفتم که این رساله این مشکلات را دارد برو شما رفع کن این اشکالات، گفت چشم و رفت. فردای آن روز یک آقایی به من زنگ زد که شما اشکالاتی که به این رساله گرفتید رساله فلانی من این رساله را نوشتم لطف کنید اشکالات را بگویید خودم رفع کنم یعنی اینقدر دیگه مساله رسوا شده که حتی متوجه نیست که من مدرس و استاد هستم اگر از دانشجوی رساله میخواهم میخواهم خودش کار کند نه اینکه به دیگری بدهد و این کارها انجام بدهد!

 گروه سومی که دست به انتحال می‌زنند استادان هستند، اعضای هیات علمی هستند که این انتحال یک شکل بسیار سستی دارد یعنی استاد میباید کار دیگری را برمیدارد به نام خودش منتشر میکند نمونه ای ما داریم که یک استاد برای اینکه دانشیار شود مقالاتی را که یک نفر نوشته بوده برداشته و به نام خودش منتشر میکند و اتفاقاً دانشیار میشود، چند سال بعد این آدم میخواهد استاد شود، میاید

باعث رسوایی شدیدی شده. یکی از مجلات معتبر انگلیسی که وابسته به یک انتشاراتی هست فصلنامه ایی دارد بنام QOR کوارتری اف ریسرچ در سال ۲۰۱۶ یک سرمقاله ایی منتشر کرد که برند تازه ایی از تقلب را ایجاد کرد: مسئله غصب نام، نام شخص را غصب میکند. بعد توضیح میدهد که چند وقت پیش به دست ما یک مقاله ایی رسید از یک اقتصاد دان معروف هلندی و نکته ایی که درباره این مقاله وجود داشت این است که این مقاله از طریق ایمیل عمومی آمده بود فرض کنیم یاهو، حال آنکه دانشگاهیان معمولاً برای ارسال مقالات خودشان از ایمیل دانشگاهی استفاده میکنند. ما از ترس اسپم شدن و چیزهایی از این دست یک ایمیلی برای این شخص فرستادیم که آقای پرفسور شما این مقاله را برای ما فرستادید ما میخواهیم مطمئن بشیم و او بلافاصله پاسخ داد که نه من مطمئن نویسنده این مقاله نیستم و این سومین باریست که امسال چنین سوالی از من میشود و ما در مجله شگفت زده شدیم که این چه اتفاقیست به روی خودمون نیاوردیم و به آن ایمیل معروف همین آقای پرفسور جواب دادیم که لطفاً این مقاله را این اصلاحات را درش انجام بدهید بعد از مدتی بلافاصله مقاله برگشت با اصلاحات درخواستی ولی این دفعه نام نویسنده عوض شده بود، چهارتا نویسنده ایرانی بود بعد دونه دونه اینهارا اسم میبره و وابستگی علمی شون هم نام میبره. آقای محسن الف-عضو هیات علمی دانشگاه فلان/آقای مجید...-عضو فلان و همینجو دونه دونه اینهارا نام میبره. این یک رسوایی بزرگ و بدنامی هست که باعث شده که به شدت ما در جهان امروز در جهان علم بدنام بشیم و با بدبینی به ما ایرانی ها، به چینی ها و به هندی ها نگاه می‌کنند در عرصه علم. این خیلی نکته مهمی است که در واقع پیشاپیش ما انگار تو این میدان بازی را باخته ایم.

در برابر این اتفاق امروزه ما شاهد نرم افزارهای قدرتمند و سامانه های مشابه یاب هستیم که به سرعت جلوگیری می‌کنند و شناسایی می‌کنند عنوان تقلب هارا یکی از این نمونه ها پایگاهی هست به نام Turn tin که حدود ده هزار مرکز تحقیقاتی دنیا با این همکاری می‌کند. شما هر مقاله ای که برای دانشگاه معروف بفرستید، برای مجلات معتبر بفرستید اولین کاری که میکند این را مشابه یابی میکند که مبادا در آن انتحالی رخ داده باشد. پایگاه ایگوتو، استیک ادونس، اسکن مای افکت، پای اسکیپ و... داریم خیلی فراوان هست و اینها هر کدامشان کارکردهای متفاوتی دارند.

در کشور ما هم خوشبختانه دو سه تا سامانه مشابه یاب داریم یکی سمیم نور هست که مرکز تحقیقاتی کامپیوتر علوم اسلامی طراحی کرده، یکی راه جو هست، همانند جو هست که وزارت علوم طراحی کرده. یک سومی هم هست که من خیلی باهاش آشنا نیستم و نمیتوانم درباره آن بحثی داشته باشم. در حالی که در کشور ما متأسفانه زمانی بحث انتحال بسیار

من این بحث را میخوام مطرح کنم که چرا انتحال غیر اخلاقیست؟ به اینجا که می‌رسیم دوتا سوال، دوتا نکته مطرح میشود یکی اینکه گفته میشود که اینکار همیشه، رواج داشته، من در برخی از مجادلات قلمی که با بعضی از همکاران داشتم به من این اشکال را می‌گیرند که چیزی که شما می‌گویید انتحال در فرهنگ اسلامی رایج بوده و مقبول بوده و من پاسخ دادم رایج بوده همیشه رایج هست ولی هرگز مقبول نبوده. اینا باهم فرق میکند درست مثل دروغ میماند، مثل رشوه میماند، مثل تقلب میماند، غشه در معامله میماند که همیشه رواج داشته در سطوح مختلف ولی هرگز مقبولیت اخلاقی نداشته چرا انتحال نادرسته؟ چرا من معتقدم نادرسته؟ چرا به خود بستن کاری نادرست است؟

ببینید در مسایل اخلاقی ما مکاتب مختلفی داریم من وارد بحث های مکاتب مختلف نمیشم اینجا تفاوت هایشان چی هست و اینا. ولی یک نکته ای که توجه به ان خیلی مفید هست این است که غالب مسایل اخلاقی غالب دام تاکید میکنم، غالب، نه همه! غالب مسایل اخلاقی بیش اهمیت این است که شما از هر منظر اخلاقی واردش بشید به نتیجه یکسانی میرسید. فرض کنید دروغگویی هم از منظر تکلیف گرایی کانت خطاست و هم از منظر پیامدگرایی فرض کنید جیمز.... خطاست. انتحال هم همینیه. و من در بحث های مفصل که داشتم سعی کردم توضیح بدهم که چرا انتحال نادرسته، چرا غیر اخلاقی است! پیش از اینکه غیر قانونی باشد و یا غیر قانونی بشود این مساله باید جا بیافتد که انتحال غیر اخلاقیست چون متاسفانه بعضی ها میگویند ما نشر علم میکنیم کجاش بده! من کتابی را که یه گوشه ای دارد خاک میخوره بر میدارم به نام خودم منتشر میکنم. مردم مطلع میشوند با خبر میشوند چرا انتحال نادرسته؟ من سعی کردم از ره یافت های مختلف استفاده کنم تا توضیح بدهم که چرا انتحال نادرسته. اولین نگاه این است که بعضی از افراد میگویند ببینید برای ما بحث های غربی نکنید. به خود من گفتن این بحث *Plagiarism* غربی است، شما بیایید اسلامی بحث کنید. کجای قرآن گفته انتحال نکنید؟ کجای سنت اسلامی گفته انتحال نکنید؟! من سعی کردم به این سوال پاسخ بدهم و از منظر نثر گرایانه. یعنی ما باشیم و نسخ دینی خودمان ببینیم نسخ دینی در این باره چه میگویند. در قرآن کریم سوره آل عمران آیه ۱۸۸ تسریع میکند؛ کسانی که بابت کار نکرده انتظار پاداش دارند اینها کیفر سنگینی در انتظارشان یعنی درس اخلاقی این است که هیچ کس حق ندارد بابت کار نکرده انتظار پاداش داشته باشه و وقتی من مقاله ای را که دیگری نوشته است به نام خودم منتشر میکنم انتظار پاداش دارم از شما میخوام ارتقا بگیرم، امتیاز بگیرم. مشمول این آیه میشوند. قرآن کریم به من میگوید تو حق نداری بابت کار نکرده انتظار پاداش داشته باشی خیلی روشن است. باز در قرآن کریم به صراحت آمده است که "ان الله یعمورکم عن خداوند به شما فرمان میدهد تا امانت

همان مقالاتی را که قبلا دزدیده بوده و به نام خودش منتشر کرده را دوباره بر میدارد و به نام دیگری دوباره تحویل میدهد برای انتشار ولی دیگه الان اینقدر وضع شفاف شده که لو میره قضیه و کارش میکشد به وزارت علوم و به هر حال مسائل قانونی که در پی آن وجود دارد. متاسفانه برخی از استادان ما ناستاد هستند و به شکل های مختلفی دست به انتحال می زنند. گاهی وقت ها کتابی را که به زبان انگلیسی هست بر میدارند ترجمه می کنند به نام خودشون منتشر می کنند به نام تالیف. گاهی کتابی را از انگلیسی بر میدارند به دانشجو میدهند میگویند ترجمه کن و باز به نام خودشان بدون نوشته منتشر می کنند. گاهی وقت ها از دانشجو میخواهند کاری انجام بدهد، دانشجو انجام می دهد به نام خودشان منتشر می کنند و یک پدیده ایی هست که اخیرا رواج پیدا کرده و من طی یک یادداشتی نوشتم بنام "بارکشی ناستادان" که متاسفانه رواج زیادی پیدا کرده و من بارها گفتم و باید وزارت علوم برای این قضیه فکری کند، از طرفی وزارت علوم در آیین نامه ی ارتقاء و در شکل های مختلف از استادان خواسته که کم کند که دانشجویان مقاله بنویسند از طرفی از دانشجویان خواسته تا به کمک استاد وزیر نظر استاد مقاله بنویسند. بعضی از ناستادان در کلاس ها دانشجو را ملزم می کنند مقاله علمی-پژوهشی بنویسه و چاپ کند یا دسته کم از جایی آن مقاله را بگیرد و بعدها به نام همین مقاله اینها ارتقا پیدا میکنند و میتوان تصور کرد که یک مربی به کمک همین مقالات بشه استاد تمام که من الان شاهد مقالات پر نویسنده ای هستم که غالب اینها متقلبانیه است لذا خواسته من پیشنهاد من توصیه من و خواهش عاجزانه من از همه همکاران آن است که به هیچ وجه وارد این بازی کثیف نشوند. مقاله مشترک ننویسند، وارد بازی مقاله مشترک نشوند. اگر میشوند اسمشان را آخر بیاورند اگر میشوند هرگز این مقالاتشان را در کارنامه علمی خودشان نگنجانند، نخواهند به کمک این مقالات بالا بیایند. از آن طرف وزارت علوم قانونی وضع کند که ارتقای استادان اعتبار علمی استادان فقط و فقط به مقالات تالیفی مستقل باشد نه مقالات مشترک. قالب این مقالات مشترکی که من دیدم و خواندم متقلبانیه است و استاد نقشی در آنها نداشته حتی بویی از آنها نبرده. ما مقاله ای داریم که نام یک استاد علوم انسانی روش هست ولی مقاله درباره درختکاریه، درباره بیانون زدای ست. مقاله درباره فرض کن ریشه های واژه های عبری در فرهنگ فرض کنید در فرهنگ باستانی ایران ولی استاد راهنمای که آن هست فرض کنید متخصص زبان فرانسه است، از این نمونه ها و از این تقلب ها زیاد هست اینها انواع تقلب هاست. به هرحال استادان دست به تقلب های گسترده ای میزنند که فراوانه.

و پیمان آورده، ۵ تا کتاب آورده، شما اینها را نگاه میکنید خیلی کارهای خوبی هست، اعتماد میکنید استخدام میکنید. این آدم میشود استاد شما، تدریس میکند به دانشجو بعدها مشخص میشود کل این کتاب ها و مقالات دروغین هستن از کس دیگری بوده! شما این را در سطح کلان نگاه کنید. یعنی اینکه ۲۰٪-۳۰٪ استادان ما اگر چنین شوند، اگر مراکز پژوهشی ما اینگونه شوند، اگر کتاب هایی که منتشر میشود اینگونه باشند، من نمی دانم این کتابی که به نام آقای فلانی یا خانم فلانی منتشر شده واقعا خودش نوشته یا به کسی پول داده! به هیچ کس نمیتونم اعتماد کنم. نظام جامعه بر اعتماد استوار است اگر این اعتماد فروپاشه به هیچی نمیشود دل بست و کل نظام علمی فرو میپاشه حال آنکه بنیاد علم، بنیاد دانشگاه و بنیاد دانشوری بر اعتماد و بیاد اعتماد بر صداقت. کافی است این صداقت لقمه خورد در یک عرصه، در یک ضمیمه و گسترش پیدا کند. ما متأسفانه بحث انتحال و خیلی از بحث ها را از یک منظر بسیار تنگ فردی نگاه میکنیم. پس از اینکه یکی از همین بحث های انتحال خیلی درشت بازتاب رسانه ایی پیدا کرده بود من در مشهد بودم دو-سه تا از همکاران دانشگاهی گفتند آیا درست است یک نفر انتحال کرده یه استاد بنده خدای محترم خوب دیگران ببینند این آدم را رسوا کنند؟ و در رسانه ها آبروی او را ببرند؟ گفتم ببینید شما قضیه را فردی نکنید. بحث انتحال بحث آبرو نیست. آبرو در فضای خصوصی انسان هاست هیچ کس حق ندارد آبروی هیچ انسانی را ببرد ولی آبرو یعنی چی؟ یعنی هر انسانی در چهاردیواری خودش هر کاری که بکند بین خودش هست و خدای خود، تمام شد! هرگونه هتک حرمتی هرگونه تجاوزی به حریم خصوص و هرگونه نقض حریم خصوصی غرضاً، ضد دینی و نامشروع. ولی بحث انتحال یا *plagiarism* بحث آبرو نیست بحث فضای عمومی است، بحث سو استفاده از اعتماد عمومی است، بحث تقلب و فریبکاریست و وظیفه‌ی هرآدمی در فضای عمومی آن است که با هر نوع انتحالی مواجه شد آن را آشکار کند.

از پیامد گرایی که بگذریم، یکی از دیدگاه ها وظیفه گرایی است. صحبت از وظیفه گرایی میشود یاد کانت می افتیم. کانت به ما میگوید شما برای اینکه رفتار درست و نادرست را انجام بدهی یا انجام ندهی، نگاه به پیامد نکنید. چرا؟ چون اولاً ما خیلی وقت پیامد ها را نمی توانیم تشخیص بدهیم بسیاری از رفتارهایی که ما از سر صدق و صفا انجام می دادیم بعد ها مشخص شده که چه پیامدهای ناهنجار و ناخوشایندی داشته. شما باید وظیفه ات را انجام بدهی این وظیفه گرایست *Deontological ethics*.

ما وظیفه گرایانه بخواهیم نگاه کنیم من و شما در مقام دانشور در عرصه‌ی علم چه وظیفه ای داریم؟

اولین وظیفه‌ی من و شما در مقام دانشگاهی و پژوهشگر صداقت است، صداقت علمی. من باید آنچه را که مینویسم درست نوشته

را به صاحب امانت برسانید. در علم من و شمایی که دانشجو، استاد و پژوهشگر هستیم ما امین هستیم، امین علم هستیم و کسی که کتاب دیگری را به نام خودش منتشر میکند نقض امانت کرده. در قرآن کریم میفرماید: "ولا تبخس الناسه اشیاءهم" داشته های مردم را بی ارزش نکنید. هنگامی که من می آیم مقاله کسی را که شش ماه وقت گذاشته است و زحمت کشیده است و به نام خودم منتشر می کنم کل تلاش این شخص را من بی اعتبار می کنم. در سنت اسلامی امام علی میفرماید: "اذا حدثت به حدیث فاسدوه الی الذین حدثکم" و ..

اگر من مطلبی را در کتابی خواندم فرض کن در این کتاب من مقاله ای را خواندم مطلبی را خواندم درباره دانشگاه و آینده و امکانات آن در آن خواندم که آقای بارنت میگوید رئیس دانشگاه هاروارد چنین گفته است من وظیفه دارم که بگویم به گفته آقای بارنت رئیس دانشگاه هاروارد چنین گفته است، اگه من بنویسم رئیس دانشگاه هاروارد چنین گفته است این دروغه، تقلبه، انتحال! حتی اگر این حرفم زده باشه چرا چون من خودم مستقیم این را ندیده ام "اذا حدثت به حدیث فاسدوه الی الذین حدثکم" اسناد کنیم. من وقتی اسناد میکنم اگر بارنت راست گفته باشه من سود کردم، اگر دروغ گفته باشه من زیان نکردم.

باز از امام صادق روایتی داریم که فرمود: از دروغ مفرع بهره‌ییزد. پرسیدن دروغ مفرع یعنی چی؟ گفت: یعنی مطلبی را کسی به شما بگوید و شما آن مطلب را چنان نقل کنید که انگار خودتان شنیده اید، خودتان خوانده اید یعنی واسطه ها را حذف کردند! چیزی که الان متأسفانه در غالب مقالات و نوشته ها ما شاهدش هستیم. غالب این منابعی که در آخر مقالات و نوشته هاست منابع دروغین هستند. ارجاعات دروغین هستن، تکثیر منابع نارواست یعنی نویسنده نرفته است آن مقاله اصلی ببیند آمده از منابع واسط استفاده میکند ولی مستقیم دارد ارجاع میدهد اینها تقبل است!

این در مورد دیدگاه نشر گرایانه. ولی بریم سراغ دیدگاه اخلاقی یکی از معروف ترین شناخته شده ترین دیدگاه های اخلاقی و مکاتب اخلاقی پیامد گرایی ست. خلاصه پیامد گرایی *Consequentialism* آن است که هیچ عملی به خودی خود نه خوب است نه بد، پیامد یک عمل معین میکند کاری خوب یا بد شود. میگویم خیلی من نمیخواهم بگویم این دیدگاه درست است نمیخواهم بگویم غلط است والا خودم اعتقادی به این دیدگاه ندارم. گیرم کسی چنین باوری داشته باشد میگوید من پیامدگرا هستم، دروغه مصلحت آمیز به ز راسته فتنه انگیز! میگوید من مقاله به نام خودم ارائه می کنم، ارتقا میگیرم، استاد میشم زن و بچه ام به نوایی میرسن، چه اشکالی دارد؟ من باید خرج در بیاورم، بالاخره "الکاسو حیی الله". اگر پیامدگرایانه نگاه کنیم خیلی خوب شما پیامدگرایانه نگاه کنید در سطح کلان شما دارید جذب میکنید یک استاد را کسی که آمده است میگوید من میخواهم استاد شوم، جذب شوم، هیات علمی شوم با خودش ۳۰ مقاله پر

از هر پیامد و هر مساله ای یک حقوق اساسی دارند. شما اعلامیه حقوق بشر را نگاه کنید با این نگاه نوشته شده. در قانون اساسی ما این حقوق دیده شده هر انسانی حق دارد یک اسمی داشته باشد، اسم داشته باشد. هر انسانی حق دارد ازدواج کند، هر انسانی حق دارد سفر کند، هر انسانی حق دارد تابعیت داشته باشد و ... اینا جزء حقوق اولیه انسانهاست. هیچ نظام حقوقی حق ندارد انسان هارا صلب تابعیت کند، بدون دلیل موجه صلب مالکیت کند، صلب نام کند، بگوید شما اسم ندارید، از این به بعد بی نام هستید این حقوق مسلم ماست. از لوازم حقوق بشر آن هست که من اگر مقاله ای نوشتم و اسمم را بر این مقاله گذاشتم، هیچ کس بدون اجازه من اسم منو از مقاله ام بردارد، هیچ توجیهی هم ندارد. هنگامی که من مقاله یک نفر را برمی دارم و اسم او را از وی صلب می کنم و نام خودم را می گذارم یعنی، ساده ترین حق بشریه انسان را من نادیده گرفته ام. هیچ توجیهی دیگه ندارد اسم این انسان تا قیام قیامت باید بر نوشته اش، بر نقاشی اش، بر عکسش وجود داشته باشد ولی الان ما دارد یک نمونه طنز و واقع من نمیدونم یک رساله ای اخیرا دفاع شده بود. به آقایی داشته دفاع میکرده من این را اصلا بیشتر جوک میدانم ولی به هر حال مشابه اش را خودم دیدم و در مقدمه این رساله این آقا دارد دفاع میکند نوشته بوده که متاسفانه من در طول نگارش این رساله باردار بودم و نتوانستم خوب کار کنم، معروف است بعضیا احتمالا خورده به گوشتان اما از این نمونه ها من خودم زیاد دیدم، بسیار دیدم که کتابی که فرض کنید مرحوم جلال الدین محدث ارمندی نوشته یک نفر برداشته به نام خودش منتشر کرده بعد تو پانوشته اش هم که ما در شرح رساله ی فلان این مطالب را باز گفته ایم که همچنین رساله ای این آدم ندارد یعنی حتی اینقدر هم هوشمند نبوده که لوازم و آثارش را پاک کند.

و آخرین دیدگاه دیدگاه خودگرایانه است. یعنی تصور کنید من به هیچ اصله اخلاقی اعتقاد ندارم من فقط منافع خودم را نگاه میکنم اگر من دانشگاهی فقط منافع خودم را نگاه کنم عقل حکم میکند که این منافع ام را در یک چشم انداز بلند مدت نگاه کنم. زمانی آدم ها شتر را با بارش میدزدیدن کسی هم متوجه نمیشد ولی الان در جهانی زندگی می کنیم که روز به روز دارد فضا شفاف تر میشود. من یک جمله، یک نیم جمله، یک عبارت هشت کلمه ای را از جایی نقل کنم و خوب ارجاع ندم به راحتی میشود رد بایی کرد و بسیاری از استادان بسیاری که نه عده کمی از استادان، محققان، دانشجویان پس از اینکه دفاع کردند توانستند رساله شان را پاس کنند، نمی دانم مدرک بگیرن الان دارد یکی یکی رسوا میشود، رسوا میشوند. آبروریزی رخ میدهد اگر من نگاه منفعت طلبانه صرف داشته باشم عقل عملی حکم میکند که از هر نوع انتحالی بپرهیزم پس انتحال خطاست. انتحال یعنی اینکه من کار دیگران را به نام خودم منتشر کنم، کامل یا ناقص فرق نمیکند و این کار خطاست. با هر معیاری که ما

باشم و هنگامی که من نام خودم را بر نوشته ی دیگران ثبت می کنم دارم دروغ می گویم این تقلب و عدم صداقت است.

دومین وظیفه من و شما در مقام پژوهشگر و دانشور انصاف، عدالت است. ما از هر پژوهشگری انتظار انصاف داریم. وقتی من نام کسی را به ناروا از نوشته اش حذف می کنم و به نام خودم را جا می زنم این نهایت بی انصافی است. غصب حقوق دیگران است. غصب به حقوق دیگران است.

من و شما در مقام پژوهشگر باید شجاع، دلیر، دلاور باشیم، هنگامی که من نام دیگری را حذف میکنم و به دروغ میگویم از آن من است یعنی شجاعت ندارم که بگم من متاسفانه مقاله ای نداشتم این نوشته ی دیگرانه است.

وظیفه من و شما در مقام پژوهشگر آن است که از هر نوع تدلیف، تقلب، غش در رفتار علمی پرهیز کنیم ولی هنگامی که من نوشته دیگران را به نام خودم منتشر میکنم دچار مرتکب غش و غل و تدلیف شدم.

بریم سراغ دیدگاه دیگری به نام فضیلت گرایی یعنی از این دیدگاه های پیامدگرایانه و تحلیلگرایانه که بگذریم ما یک نظام اخلاقی داریم مکتب اخلاقی داریم به آن میگویند فضیلت گرایی *Virtue ethics* که اصولا کاری به رفتار ندارد به منش توجه می کند. می گوید محور اخلاق نه رفتارها و کنش ها بلکه معیار اخلاق کنش گران هستند. انسان ها هستند. آدمهای با فضیلت، آدم های بی فضیلت. که این یک سنت اخلاقی کهن، ریشه دار است. خود من به سنت اخلاق فضیلت تعلق خاطر دارم گرچه قبلا کانتی فکر میکردم ولی اخیرا سالهاست رویکرد فضیلت گرا شده و از این منظر مسائل را تحلیل می کنم.

دیدگاه فضیلت گرایانه چی میگوید؟ میگوید بعضی از انسان ها با فضیلت اند، بعضی بی فضیلت. معلم و پژوهشگر باید با فضیلت باشند. فضیلت اخلاقی در عرصه پژوهش مستلزم آن است که انسان صادق باشد، انسان امین باشد، انسان دلیر باشد، انسان عادل باشد. اصل این را بابا افضل کاشانی در قرن ششم می گوید: اصل جوانمردی سه چیز است یکی آنکه هرچه بگویی بکنی، و دیگر آنکه خلاف راستی نگویی، علما را جوانمرد آن بود که همه ی این صفت ها در او بود. یک انسان با فضیلت کسی است که صادق است، کسی است که امین است، کسی است که عادل است، کسی است که شجاع است. فضیلت اقتضا می کند که ما از دست زدن و تصرف ناروا در آثار دیگران به هر شکلی که ممکن است دوری کنیم.

یک دیدگاه دیگری من میگویم اسمش را میگذارم حق گرایانه، دیدگاه حقوق بشری. این تقسیم بندی از آن من است، این تقسیم بندی ششگانه را جایی ندیدم خودم سعی کردم به آن برسم و قابل اصلاح و گسترش است. ما یک نگاهی داریم نگاه حقوق بشری، معتقد است انسان ها فارغ



خبرنامه الکترونیکی انجمن ایرانی اخلاق در فناوری (شماره ۲۶) زمستان ۱۳۹۹

والسلام.

به سنجیم چه تابع قرآن باشد ، چه نظام اخلاقی پیامدگرایی بپذیرد ، چه تکلیف گرایانه نگاه کنیم، چه فضیلت مدار باشیم ، چه حق گرا باشیم و چه خود گرا باشیم و در مقالات هم من به تفصیل گفتم که چگونه از انتحال بپرهیزیم.

التألیف، حق التشویق از طریق نادرست، گمراهی ناشران، نشریات و به طور کلی نظام نشر در مورد اینکه چه کسی صاحب اصلی این نظر و ایده است و چه کسی شایسته دریافت اعتبار برای اثر فکری انجام شده است و ایجاد خطا در آمار جامعه علمی و در ثبت تعداد پژوهش‌های انجام شده و نقض حق کپی‌رایت یا حقوق مؤلفان، می‌شود.

✚ موضوع علم‌ربایی چیست؟ نوشته، مقاله، کتاب، اشعار آهنگ، برنامه کامپیوتری، هرگونه سند، آزمایش، طرح یا نتایج پژوهشی کس دیگر. اعم از آثار منتشر شده و نشده مانند دست‌نوشته‌ها، مطالب بیان شده در سخنرانی‌ها یا سمینارها، همگی می‌توانند موضوع علم‌ربایی قرار گیرند.

✚ اجزاء ماهوی علم‌ربایی کدامند؟ این اجزا را می‌توان در ۴ بخش تقسیم کرد:

به خود نسبت دادن اثر دیگران
به کاربردن آثار دیگران بدون ارجاع مناسب
کمیت رفتار دانشگاهی کالج هنر و علوم دانشگاه واشنگتن در تعریف علم‌ربایی آورده است: «بکار بردن کلمات و ایده‌های دیگران بدون ارجاع مناسب» .
قصد عمد و علم داشتن به عمل سرقت علمی

✚ انواع علم‌ربایی کدامند؟
الف) علم‌ربایی بدون ارجاع به منابع
علم‌ربایی متن (Text Plagiarism)
علم‌ربایی کپی-درج (Copy & Paste Plagiarism): کپی تمام یا بخشی از یک متن از منبع دیگر بدون دادن ارجاع به مؤلف آن و بدون قرار دادن متن قرض گرفته شده داخل نشانه نقل قول.
علم‌ربایی کل یا بخشی از متن
موارد: ۱) سفارش نگارش مقاله یا پایان‌نامه به دیگران و ارائه آن به نام خود

ارائه نوشته‌ای که توسط یک دوست نوشته شده است،
خریدن یک نوشته یا تحقیق از اینترنت یا منابع دیگر از مصادیق این نوع علم‌ربایی است. برخی این نوع علم‌ربایی را از آن جهت که کس دیگر به جای رباينده، اثر را نوشته است، «شیخ نگارنده» یا «نویسنده در سایه» (Ghost Writer) نامیده‌اند.

- ✓ علم‌ربایی جملات و پاراگراف‌ها
۱. «رونویسی» (photocopy plagiarism)
 ۲. «کلاژ» (Potluck Paper) یا «وصله‌دوزی» (Patchwork): رباينده از چند منبع مختلف کپی کرده و

نشست اسفند ماه با عنوان:

"چستی سرقت علمی و راهکارهای پیشگیری از آن"

سخنران: دکتر حسین اترک



نشست اسفند ماه انجمن ایرانی اخلاق در علوم و فناوری در سال ۱۳۹۹ با سخنرانی دکتر حسین اترک، دانشیار دانشگاه زنجان در حوزه فلسفه برگزار شد. گزیده ای از نشست در ادامه ارایه شده است:

✚ سرقت علمی یا علم‌ربایی (Plagiarism) به چه معناست؟ این واژه از ریشه لاتینی پلیجیروس به معنای سرقت و بچه‌دزدی آمده و معادل های فارسی آن: سرقت علمی، دزدی علمی، سرقت ادبی، دزدی ادبی، دستبرد علمی، دستبرد دانشگاهی، تقلب محتوایی، تقلب علمی بکار رفته است. معادل عربی آن انتحال است. واژه ای که من آن را به کار می برم علم‌ربایی است. علم‌ربایی به معنای به خود نسبت دادن آثار علمی و فکری دیگران و بکاربردن اثر دیگران بدون ارجاع مناسب است.

✚ علت نادرستی علم‌ربایی چیست؟ علم‌ربایی مصداق دروغ‌گویی، جعل و فریب دیگران است و منجر به کسب رتبه و جایگاه دانشگاهی بالاتری از طریق نادرست، کسب درآمدهایی اعم از پژوهانه، حق

نقش نویسندگان و مشارکت‌کنندگان در یک پژوهش چگونه مشخص می‌شود؟ کمیته بین‌المللی سردبیران نشریات پزشکی بر این باورند که هر مؤلفی که نامش بر بالای اثر ذکر می‌گردد، باید حداقل یکی از آنها داشته باشد: مشارکت در مطالعه و بررسی (درک، طراحی، جمع‌آوری اطلاعات، تحلیل داده‌ها و تفسیر)، مشارکت در نگارش اولیه یا اصلاح نوشته، تأیید نسخه نهایی نوشته برای انتشار و یا مسئولیت و ضمانت درستی و تمامیت جهات مختلف پژوهش.

بند ۳۳ از منشور اخلاق پژوهش وزارت علوم درباره شرایط نویسنده پژوهش می‌گوید: شخصی نویسنده (یا یکی از نویسندگان) پژوهش (مقاله، کتاب، طرح پژوهشی، ...) خواهد بود که دست کم مشمول یکی از موارد زیر باشد: سهم قابل توجهی در: الف) ارائه ایده پژوهشی یا طراحی مطالعه، ب) جمع‌آوری داده‌ها، ج) تحلیل و تفسیر داشته باشد. در نوشتن پیش‌نویس مقاله و اصل آن، یا مرور نقادانه آن که منجر به اصلاح محتوای علمی مقاله می‌گردد، نقش داشته باشد. مقاله نهایی را مطالعه و تأیید کرده باشد.

ترتیب درج اسامی اساتید و دانشجو در پایان‌نامه بر اساس چه ضوابطی است؟ بر اساس منشور اخلاق پژوهش وزارت علوم ترتیب مقالات مستخرج از پایان‌نامه باید به این ترتیب باشد: اول: دانشجو، دوم: استاد راهنما و سوم: استاد مشاور. ذکر اسامی این افراد در تمام مقالات مستخرج از پایان‌نامه و رساله الزامی است.

تفاوت جنبه قانونی و اخلاقی: از منظر اخلاقی ترتیب نام نویسندگان در مقالات باید بر اساس میزان نقش آنها در مقاله باشد. کسی که نقشی در یک تحقیق ندارد، چه راهنما باشد و چه مشاور، نباید نام او در مقاله ذکر شود. تبصره بند ۳۴ از منشور اخلاق پژوهش وزارت علوم، ص ۳۸ (در مورد ترتیب نام نویسندگان در مقالات غیر پایان‌نامه): توافق در مورد ترتیب اسامی باید بر اساس سهم هر یک از نویسندگان در نگارش مقاله و مشارکت خلاقانه آنها باشد نه جایگاه یا سوابق افراد.

ب) علم‌رایی با وجود ارجاع به منابع

✓ نقل قول نامناسب: در نقل قول مستقیم: عدم استفاده از علائم نقل قول مستقیم مانند گیومه و توجین کردن متن. جا زدن نقل قول مستقیم به جای نقل قول غیرمستقیم. در نقل قول غیرمستقیم: رایج‌ترین نوع علم‌رایی نزد اساتید و دانشجویانی که قصد علم‌رایی ندارند.

✓ علت علم‌رایی: عدم توانایی در تغییر عبارات دیگران و نقل قول غیرمستقیم (Paraphrase)

✓ مورد علم‌رایی: به خود نسبت دادن کلمات و عبارات شخص دیگر؛ گرچه در جهت معنا و محتوای مطلب، به علت ذکر

تلاش می‌کند آنها را با یکدیگر تنظیم و جفت کند تا قالب متن واحد را پیدا کند.

۳. علم‌رایی «استار ضعیف» (Poor Disguise): علم‌رایی ظاهر نوشته خود را با تغییر کلمات و عبارات کلیدی کمی تغییر می‌دهد، در حالی که محتوای اصلی همچنان متخذ از منابع دیگران است.

✓ علم‌رایی کلمات یا تشبیهات و استعارات

نکته مهم: پرهیز اساتید راهنما و مشاور از نوشتن به جای دانشجو در پایان‌نامه

✓ سرقت ایده علمی:

در برخی از تحقیقات ایده اولیه نقش بسیار مهمی در تحقیق دارد و ارزش تمام تحقیق به ایده آن است. چند توصیه:

اول اینکه: دانشجو موظف است اسنادی را به راهنمایی رساله خود انتخاب کند که ایده رساله را از او گرفته است. گروه‌ها از تصویب موضوعاتی که متعلق به دیگران است، بدون کسب رضایت از ایشان، امتناع کنند.

دوم اینکه: اساتید راهنما و مشاور در صورتی که ایده پایان‌نامه دانشجو متعلق به آنهاست، آن را در گروه مصوب کنند و دانشجو را ملزم به ذکر این مطلب در مقدمه پایان‌نامه کنند. (پیشنهاد: اضافه شدن قسمت ایده پرداز در پروپوزال)

✓ سرقت روش علمی

✓ بارکشی علمی

استفاده از دانشجو و افراد دیگر برای جمع‌آوری داده‌ها یا استفاده در قسمت‌های دیگر پژوهش، کارهای تدارکاتی، مقدماتی و یدی، به غیر از نگارش.

✓ سرقت از خود (Self-Plagiarism)

✓ نویسنده افتخاری (Honorary authorship)

اسم مدیر گروه، رئیس پژوهشگاه یا عضو ارشد مرکز تحقیقاتی را به عنوان مؤلف افتخاری در تحقیق خود قرار می‌دهند.

✓ نویسنده مهمان (Guest authorship): اسم شخص مشهور و صاحب‌نامی را به‌خاطر افزایش ارزش کیفی یک اثر اضافه می‌کنند، بدون اینکه نقشی در اثر داشته باشد.

✓ نویسنده اجباری (Coercive authorship): نام شخصی را بدون اجازه در اثری درج می‌کنند؛ مانند آنچه برخی دانشجویان در مورد اساتید خود اعم از راهنما، مشاور و غیر آنها انجام می‌دهند.

در این نوع علم ربایی، رباینده عبارات منبع دست دوم را گاه عیناً بدون تغییر ذکر می کند و گاه آنها را تغییر داده تا کپی پیست تلقی نشود و کشف سرقت آسان نگردد.

علت نادرستی: جا زدن یک تحقیق از نوع گردآوری به جای یک تحقیق اصیل از نوع تألیفی و تصنیفی / شخص خود به منابع دست اول رجوع نکرده است بلکه نویسنده اصلی رجوع کرده.

✚ خودعلم ربایی یا سرقت علمی از خود (Self-Plagiarism)

تعریف خودعلم ربایی: انتشار مجدد تمام یا بخش های قابل توجهی از اثر منتشر شده پیشین خود بدون ارجاع مناسب به آن. بکارگیری دوباره ده درصد یا بیشتر از هر اثر منتشر شده پیشین بدون ارجاع را علم ربایی از خود گویند. اجزاء ماهوی خودعلم ربایی عبارتند از: (۱) انتشار مجدد، (۲) تمام یا بخش قابل توجهی از (۳) اثر منتشر شده پیشین خود، (۴) بدون اعلام و ارجاع مناسب.

✚ اشکال مختلف خودعلم ربایی

۱. گاه یک مقاله عیناً با یک عنوان و محتوا در دو نشریه منتشر می شود،
۲. گاه یک مقاله با حفظ محتوا و ایده اصلی پیشین، همراه با تغییر عنوان و تغییرات جزئی در محتوا دوباره منتشر می شود،
۳. گاه بخشی از یک اثر در تلفیق با موضوعی دیگر با عنوان جدید دوباره منتشر می شود، برای مثال ابتدا موضوعی از نظر یک فیلسوف بررسی می شود و بعد در مقایسه با فیلسوف دیگر.
- نکته: انتشار مجدد می تواند در برخی شرایط قابل قبول باشد، در صورت اعلام آن و عدم فریب دیگران.

✚ علت نادرستی خودعلم ربایی چیست؟

۱. اشتغال بر تقلب و حيله گری، فریب سردبیر، داوران، خوانندگان.
۲. سلب فرصت از دیگران
۳. ضرر به دیگران
۴. گمراهی جامعه علمی در ارائه آمارها
۵. دریافت گرنت، حق التثویق و ...

✚ انواع خودعلم ربایی

۱. انتشار مجدد (Redundant Publication): کمیته بین المللی سردبیران پزشکیان می دارند: انتشار مجدد به «انتشار مقاله ای گفته می شود که جوهره و قسمت های اصلی آن با مقاله منتشر شده دیگر همپوشانی داشته باشد، بدون اینکه مؤلف به انتشار قبلی ارجاع روشن و آشکار داده باشد» (ICMJE, 2013, p. 8)

منبع، سرقتی صورت نگرفته است. برخی این نوع علم ربایی را «تغییر کلمه» (Word Switch Plagiarism) نامیده اند.

✓ نقل قول یا نقل به معنا: «بازنویسی ایده های دیگران بر اساس تفکر و عبارات خود».

در نقل قول مستقیم ساختار عبارات، جمله بندی ها، کلمات و عبارات منبع اصلی باید به طوری تغییر کند که شباهت صوری به حداقل برسد تا معنای نقل قول غیرمستقیم یعنی نقل معنا با عبارات جدید محقق شود.

✚ چند توصیه برای پیشگیری از این نوع علم ربایی:

تا جایی که می توانید عبارات را تغییر دهید. ساختار جمله بندی در پاراگراف ها بر هم بریزید. از کلمات و افعال دیگر استفاده کنید. مثال اضافه کنید. به هنگام نقل قول کردن مطلبی به طور غیرمستقیم، متن و منبع مورد نقل را پیش روی خود قرار ندهید. مطلب را به طور کامل بخوانید؛ کتاب را ببندید؛ و سپس شروع به نوشتن کنید. در این صورت نوشته شما تا حد زیادی متفاوت از متن مورد نقل خواهد بود. تفکیک مطالب خود از دیگران:

در نقل قول های غیرمستقیم در ابتدای پاراگراف، نام صاحب مطلب را ذکر کنید و از تعابیری چون: ابن سینا معتقد است؛ کانت می گوید، به عقیده برخی محققان، بنا بر نظر برخی معاصران، همچنین در بیان نظرات خود از تعابیر: به نظر نگارنده، به نظر من، به نظر می رسد و ... استفاده کنید.

فراموش کردن برخی ارجاعات

فراموش کردن ارجاعات گرچه سهوی است، ولی چون موجب اسناد آثار دیگران به خود می شود، مصداق علم ربایی است. قصد عمد داشتن دخالتی در ماهیت علم ربایی ندارد؛ گرچه ممکن است در میزان مجازات علم رباینده دخیل باشد.

ذکر گزینشی منابع

علم ربا در اکثر موارد به منابع مورد استفاده خود ارجاع نمی دهد و مطالب دیگران را به اسم خود می زند؛ ولی هر از گاهی به آن منابع نیز ارجاع می دهد تا در صورت اتهام به علم ربایی از خود دفاع کند. در این مورد، ارجاعات به روش و میزان درست و واقعی صورت نمی گیرد و به این صورت تحقیق غیراصیل به جای تحقیق اصیل جا زده می شود.

(ج) علم ربایی از منابع دست دوم

ذکر مطالب از منابع دست دوم (مثل مقاله یا کتاب نوشته شده توسط یک نویسنده معاصر) همراه با منابع و ارجاعات آن (ارجاعات به منابع دست اول که توسط آن نویسنده انجام شده است).

شرایط جواز بازیابی متن

میزان همپوشانی مقاله خود با همه آثار منتشر شده قبلی یا منتشر نشده ارسالی به نشریات یا نزدیک به ارسال را به روشنی بازگو کنند؛ در مورد میزان استفاده دوباره از متون پیشین خود مراقب و هشیار باشند تا متهم به خودعلم‌رایی نگردند.

✚ موارد جواز انتشار مجدد (خودعلم‌رایی)

۱. انتشار خلاصه مقاله کنفرانسی
چاپ دوباره مقالات کامل کنفرانسی در نشریات بدون ایجاد تغییر قابل توجه در آن مصداق انتشار مجدد است.
در صورتی که اطلاع کافی در خصوص انتشار آن در کنفرانسی بدهد، فریبکاری و خودعلم‌رایی نخواهد بود.
تنها در صورتی که مقاله به صورت شفاهی در کنفرانسی ارائه شده باشد، نیازی به اشاره به ارائه آن به هنگام ارسال مقاله به نشریه نخواهد بود.
۲. وجود خوانندگان متفاوت
انتشار یک مقاله در دو نشریه متعلق به دو حوزه مختلف علمی با خوانندگان متفاوت (حوزه‌های بین رشته‌ای)
۳. انتشار اثر به زبان دیگر
مشروط به دادن اطلاعات کامل به سردبیر نشریه دوم و ذکر مشخصات مقاله اول در مقاله دوم.
۴. اضافه کردن مطالب علمی جدید
ضروری است میزان تغییرات داده شده و مطالب اضافه شده دقیقاً به اطلاع سردبیر نشریه دوم برسد و در مقدمه یا پاورقی مقاله دوم اشاره گردد.
۵. انتشار مقالات به صورت کتاب
بهتر است در صورت انتشار بخش‌هایی از کتاب به صورت مقاله، قبل از انتشار کتاب، در مقدمه یا داخل متن کتاب به مقالات منتشر شده پیشین اشاره شود. (تفاوت اخلاقی و قانونی مسأله)
استخراج و انتشار مقاله از کتابی که قبلاً منتشر شده است، صحیح نیست و انتشار مجدد نادرست محسوب می‌شود؛ چون شرط انتشار یک مقاله در تمام نشریات عدم انتشار مقاله است. مگر با اطلاع و رضایت سردبیر و توضیح مطلب در پاورقی یا مقدمه مقاله صورت بگیرد.
گردآوری و انتشار مقالات منتشر شده پیشین به صورت کتاب و مجموعه مقالات بلاشکال است.
نکته: در صورت استفاده از مقالات منتشر شده پیشین خود در نگارش کتاب جدید خود، لازم است به آن مقالات ارجاع مناسب دهید؛ به این معنا که مانند یک مقاله منتشر شده از شخص دیگر رفتار کنید و شرایط صحیح نقل قول، اعم از مستقیم یا غیرمستقیم را رعایت کنید.

۲. انتشار مجدد با عنوان «تقریری نو»: «تقریر نو» خواندن یک مقاله مشروط به رعایت سه معیار زیر است: (۱) بیان سؤالات اصلاح شده یا جدید، (۲) بکارگیری استدلال‌های نظری جدید و (۳) استفاده از داده‌ها و اطلاعات اضافی و جدید برای آزمایش روابط پیشنهادی.
۳. پژوهش تکه‌شده: «علم تکه‌شده» (*Salami Science*) یا «انتشار تکه‌شده» (*Salami Publication*): تکه کردن یک پژوهش بزرگ و انتشار هر تکه آن به عنوان یک مقاله مستقل گفته می‌شود. دو مقاله منتشر شده در فرضیه، روش و نتایج مشابه هم هستند، ولی متن آنها با یکدیگر متفاوت است.
تفاوت پژوهش تکه‌شده با انتشار مجدد این است که در انتشار مجدد نتایج دقیقاً واحد در دو مقاله منتشر می‌شوند، ولی در پژوهش تکه‌شده در هر مقاله‌ای بخشی از نتایج منتشر می‌شود که متفاوت از دیگری است.
۴. «افزایش داده» (*Data augmentation*): مؤلف ابتدا تحقیقی را انجام می‌دهد، ولی تمام داده‌ها را برای اثبات نتیجه تحقیق در مقاله اول منتشر نمی‌کند بلکه بعد از انتشار مقاله اول، بار دیگر با افزودن داده‌های جدید و تقویت‌کننده به مقاله اول، همان نتایج مقاله اول را یا با افزودن نتایج دیگر به شکل نتیجه‌ای ترکیبی در مقاله جدیدی دوباره منتشر می‌سازد، در صورتی که امکان ارائه همه داده‌ها و نتایج بطور یکجا در مقاله اول وجود داشت.
۵. الزامات اخلاقی‌ای در انتشار تکه‌شده:
نتایج هر مطالعه انجام شده باید در یک مقاله منتشر شود؛ نوشته دوم مبتنی بر داده‌های منتشر شده پیشین باید به درستی به مقاله منتشر شده پیشین ارجاع دهد؛
در کنار ارجاع به آن باید به روشنی مشخص کند که کدام قسمت‌ها مقاله قبلاً منتشر شده است؛
به روشنی مشخص کند چه نتایج و داده‌های جدیدی به مقاله اضافه شده است؛
داده‌های منتشر شده در مقاله پیشین را تکرار نکند؛
تمام موارد فوق را با جزئیات به سردبیر نشریه توضیح دهد.
۶. بازیابی متن (همپوشانی متن) (*Text Recycling*): استفاده دوباره از عبارات، جملات، یا پاراگراف‌های منتشر شده در اثر پیشین بدون ارجاع مناسب.
تفاوت بازیابی متن با انتشار مجدد: در انتشار مجدد جوهره و بخش‌های اصلی یک مقاله مجدداً منتشر می‌شود، ولی در بازیابی متن بخش‌های غیراصلی.
بازیابی متن و انتشار بخش‌های غیر اصلی پژوهش پیشین، در صورت ارجاع مناسب جایز است.



خبرنامه الکترونیکی انجمن ایرانی اخلاق در فناوری (شماره ۲۶) زمستان ۱۳۹۹

در صورتی که می خواهید تمام مقاله منتشر شده پیشین خود را به همان صورت، به طور کامل و با تمام منابع، در کتاب خود استفاده کنید، باید در پاورقی یا مقدمه کتاب توضیحات لازم در مورد انتشار پیشین آن و نحوه استفاده از آن بدهید.

گزارشی کوتاه از نخستین همایش اخلاق و فرهنگ شهرنشینی

برنامه افتتاحیه:

✚ **دکتر مصطفی معین رییس نخستین همایش اخلاق و**

فرهنگ شهرنشینی

دکتر مصطفی معین در آیین افتتاحیه همایش اخلاق و فرهنگ شهرنشینی بیان داشتند:

✚ رشد شتابان و بدقواره شهرها در ایران، روند شهرنشینی و شهرگرایی را به صورت ناموزون و نامتوازن و ناهمزمان پیش برده است و به رغم تحولات مختلف، حیات شهری امروز کلان شهرها و حتی شهرهای کوچک مملو از عدم تعادل های فضایی، اجتماعی و زیست محیطی شده و سلامت تن و روان، تحت تاثیر همین دسته از تهدیدهای انسانی و کالبدی دچار اختلال شده است.

✚ تخریب محیط زیست و تشدید انواع آلودگی های زیستی، فضایی جسمی و روانی و رشد عوامل و فرایندهای گسیخته ساز که زمینه های عینی آنها به صورت "کاهش توان تولید و ثروت و رفاه"، "فقر و نابرابری"، "بیکاری و بی ثباتی شغلی"، "فساد سازمان یافته" مشاهده می شود و زمینه های ذهنی و نگرشی آنها را به صورت "رشد فردگرایی"، "مادی شدن نظام ترجیحات ارزشی"، تضعیف نظام هنجارهای اخلاقی و قانونی" و در نتیجه عمومی تر شدن احساس زوال اجتماعی، احساس ناامیدی و عدم اطمینان از آینده و اغتشاش های هنجاری (آنومی) می توان دید

✚ جامعه ایرانی به طور عام و جامعه شهری به طور خاص مواجه با خطر آماس زوال اجتماعی است که ناظر به چهار عنصر نگرشی شامل، بدبینی نسبت به آینده یا یاس اجتماعی، احساس تبعیض و نابرابری همه جانبه، احساس زوال ارزش های اخلاقی و قانونی و فرسایش اعتماد عمومی است.

✚ در چنین فضایی باید رویکردی طبیبانه به بیماری ها و آسیب های اجتماعی داشت. از نظر پزشکان، تشخیص و علت یابی بیماری شرط لازم برای درمان درست است؛ اگر تشخیص به درستی انجام گیرد، انجام درمان و اقدام پیشگیرانه میسر است. البته در تشخیص به عوامل زمینه ای و محیطی باید توجه بیشتر داشت و در اینجاست که

نخستین همایش اخلاق و فرهنگ شهرنشینی در تاریخ ۲۹-۳۰ بهمن ۱۳۹۹ بصورت مجازی برگزار شد. در این دو روز، سخنرانی ها در دوبخش بصورت زنده و آف لاین ارائه گردید.

در مجموع ۶۵ سخنرانی از قبل ضبط شده و بر روی سایت همایش قرار گرفت که تمامی علاقه مندان به حوزه اخلاق می توانند آن را بصورت رایگان دریافت و مورد استفاده قرار دهند. برنامه افتتاحیه و اختتامیه بصورت زنده و در بستر اسکای روم انجام شد.



نقش اقتصاد، مدیریت، سیاست، اجتماع، فرهنگ و اخلاق اعم از آنکه مستقیم یا غیرمستقیم، تاثیرگذار باشند مهم است.



مواجه می‌شویم و نشانه‌گیری ابتدایی این رویه به سمت اخلاق و فرهنگ شهرنشینی و ایجاد تشت و تزلزل در سرزمین است.

در یک بازه زمانی ۶۰ ساله نسبت جمعیت شهرنشین و روستانشین در ایران کاملاً معکوس شده است و حدود ۷۲ درصد جمعیت روستانشین در دهه ۴۰ به ۷۲ درصد جمعیت شهری و کمتر از ۳۰ درصد جمعیت روستایی تبدیل و این موضوع سبب شده است تا اخلاق نیم‌بند شهری و اخلاق پایدار سنتی روستایی، هردو دچار زوال و اشکالات جدی و نسبی شود.

انجمن اخلاق در علوم و فناوری تلاش می‌کند با برگزاری این همایش، به بیم‌ها و البته امیدها و چالش‌ها و فرصت‌ها بپردازد و بتواند شهرگرایی و اخلاق و فرهنگ شهرنشینی را مورد توجه بیشتر قرار دهد.

دست‌اندرکاران این همایش دو نکته محوری را در شورای سیاست‌گذاری مورد نظر داشتند؛ نخست اینکه بتوانیم به الگوی تعاملی از سنت و مدرنیته دسترسی پیدا کنیم که در قالب یک دیالکتیک عام و خاص اتفاق افتد و تجارب مدنیت خود را بر تجارب مدنیت معاصر تطبیق دهیم تا یک الگوی سازگار با متن ایرانی را تعریف کنیم.



هدف دوم همایش، دسترسی به کدها و شاخص‌های عینی و عملیاتی و پیاده‌کردن اخلاق، فرهنگ و زیست شهری است تا نتایج را در اختیار برنامه‌ریزان سیاست‌گذاران مدیران ذی‌ربط قرار دهیم.

نشست خبری:

دکتر معین: رییس نخستین همایش اخلاق و فرهنگ شهرنشینی: در نشست خبری همایش بر موارد زیر تاکید نمودند:

امروزه با افزایش مهاجرت روستائیان به شهرهای بزرگ و کلان شهرها و گسترش سریع و بی رویه شهرنشینی، با کهنکشان از مسائل و مشکلات فرهنگی، اخلاقی، ناهنجاری، حاشیه نشینی، فقر

اخلاق در هر سه مرحله تشخیص، پیشگیری و درمان بیماری‌های انسان و آسیب‌های اجتماع نقش محوری دارد. اساس امر اخلاقی جلب اعتماد، مشارکت و امید در فرایند رفع بیماری‌ها و حل مسائل و آسیب‌ها است؛ از این رو، همه وجوه آن از اخلاق فردی تا اخلاق نهادی در سامان دادن اخلاقی به زندگی شهری و فرهنگ شهرنشینی مؤثرند.

همانگونه که طبیب در تجویز دارو و درمان خود موظف به عدم ضرر و زیان‌رسانی به بیمار است، حاکمیت کشور و مدیران شهری نیز در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های خود در هیچ شرایطی نباید حقوق شهروندی و آسایش و امنیت شهرنشینان را در معرض مخاطره قرار دهند.

دکتر میرطاهر موسوی: دبیر علمی نخستین همایش اخلاق و فرهنگ شهرنشینی

میرطاهر موسوی در آیین افتتاحیه نخستین همایش اخلاق و فرهنگ شهرنشینی: چنین بیان داشتند

شهرنشینی و شهرگستری علی‌رغم پیشینه و دیرینه فرهنگی و تمدنی و سابقه شهرنشینی در ایران در دوره جدید از الگو و نظریه مشخصی برخوردار نیست و دچار یک اغتشاش فضایی و سرزمینی شده‌ایم.

ایران از سال ۱۳۴۰ در مسیر تندباد شهرنشینی شتابان قرار گرفته است. شهرنشینی که با شهرگستری همراه است اما با شهرگرایی قابل‌قبولی روبرو نیستیم.

از سویی با کاهش همبستگی و کاهش اعتماد اجتماعی و امید به آینده و نهایتاً سرمایه اجتماعی روبرویم و به تدریج با روندهای زوال، فرسایش و گسیختگی در حوزه نظم اجتماعی در بخش‌های مختلف

در یک وضعیت آنومیک در گذار از سنت به مدرنیته قرار گرفته‌ایم. به این معنا که بخش‌هایی از رفتارها و هنجارهای سنتی تضعیف شده و از بین رفته است و بخش‌های جدید و متناسب با زندگی جدید شهری نیز شکل نگرفته است. این یک مساله مهم است که باید در سیاستگذاری‌های اجتماعی و فرهنگی به آن توجه شود. به‌طور مثال در دهه ۴۰ ما حدود ۱۶۰ شهر در کشور داشتیم و در انتهای دهه ۹۰ این تعداد به بیش از ۱۳۰۰ شهر رسید. یعنی جمعیت ایران طی این مدت و از دهه ۴۰ و ۵۰ به این سو ۵/۳ برابر شده اما تعداد شهرهایمان بیش از هفت برابر شده است. به طوری که امروز بیش از ۱۳۰۰ شهر در سطح ایران داریم که یک مساله دیگری را برای ما به وجود آورده است و آن نیز این است که ما با پدیده جدیدی تحت‌عنوان روستاشهرها یا شهرروستاها مواجهیم. شهرهای جدیدی که از جمعیت مهاجران و تعدادی از جمعیت بومی ایجاد شده و ترکیب ناهمگونی از شهر و روستا را به وجود آورده است.

پس یک بخش مشکل در این نوع شهرها و یک بخش نیز در شهرهای قدیمی‌تر است که در اثر پمپاژ و تزریق جمعیت به آن‌ها گسترش پیدا کرده‌اند و به طرز شگفت‌انگیزی در ۴۰ سال گذشته حدود ۱۰ کلانشهر در ایران داریم. اینها شرایطی به وجود آورده‌اند که یک وضعیت نامتعادل در سرزمین ایران به لحاظ توزیع و پخشایش جمعیت صورت گرفته است. تخریب محیط‌زیست و تبدیل اراضی نیز از مسائل ما است؛ اما این توزیع و انتقال جمعیت بدون فراهم کردن امکانات کافی فرهنگی اجتماعی سیاسی و اقتصادی انجام شده است.

بنابراین ما شهرنشینی در ایران را یک نوع شهرنشینی شتابان و بدون ایجاد زیرساخت‌های کافی می‌دانیم که می‌تواند یک وضعیت آنومیک و نامتناسب را در شهرها به وجود آورد و تجمعی از افرادی را داشته باشیم که چندان با یکدیگر آشنایی، تفاهم و سازگاری ندارند و به نوعی انبوه بیگانگان هستند. لذا شناخت اخلاق و فرهنگ شهرنشینی در قالب یک دیالکتیک عام و خاص می‌تواند نسخه‌ای موثر برای پیشبرد توسعه اجتماعی ایران باشد تا ما فرهنگ و اخلاق مدرن و جدید و معاصر را دریافت کنیم و فرهنگ و اخلاق سنتی و بومی و متن‌محور ایرانی را نیز ببینیم و در عین حال در قالب متعامل این دو یعنی در قالب یک دیالکتیک بین فرهنگ معاصر و فرهنگ سنتی، اخلاق معاصر و اخلاق سنتی، بتوانیم به یک الگوی کارآمد، روزآمد و سازگار با متن ایرانی و مقتضیات ایرانی برسیم.

همایش اخلاق و فرهنگ شهرنشینی در اصل برای این هدف و منظور طراحی شده و البته با یک جهت‌گیری خیلی مهم که ما در کنار مباحث نظری- که در این زمینه خیلی کم است- بتوانیم

و بیکاری، جرائم، خشونت، معضل ترافیک و آلودگی هوا، تخریب محیط زیست و سایر آسیب‌های اجتماعی مواجه هستیم.

اکنون برای ریشه‌یابی علمی آسیب‌های فوق، تبادل نظر و ارائه راه حل برای بهبود شرایط و کیفیت زندگی شهرنشینان، این همایش با شعار محوری "اخلاق برای شهروندان، فرهنگ برای زندگی" برگزار می‌شود.

بی تردید وضعیت شهرهای ما از نظر قانونمندی و نظم و مقررات، رعایت قواعد اخلاقی و آداب رفتار شهرنشینی، خشونت و پرخاشگری، رفاه و امنیت، هوا و فضای سالم، حفظ محیط زیست، مسئولیت متقابل افراد جامعه، رعایت حقوق شهروندی، و مشارکت شهروندان در اداره بهتر شهر در وضعیت قابل قبولی نیستند!

ما انتظار آرمان شهر و یا مدینه فاضله افلاطونی و فارابی را نداریم، اما کیفیت و شرایط شهرنشینی جامعه ما نه تنها با کشورهای توسعه یافته قابل قیاس نیست بلکه آن را حتی با بسیاری از جوامع شهری در کشورهای اسلامی هم نمی‌توانیم مقایسه کنیم.

در واقع کلان شهرهای ما روستا شهرهایی هستند که بی رویه گسترش یافته، با آداب و فرهنگ شهرنشینی بیگانه‌اند و نیز فاقد ویژگی‌های رفتاری مثبت روستا نشینان هستند.

در ادامه نشست خبری دکتر میرطاهر موسوی؛ دبیر علمی نخستین همایش اخلاق و فرهنگ شهرنشینی: نیز موارد زیر را مطرح نمودند:

مساله اخلاق و فرهنگ شهرنشینی در ایران از اولویت‌های توسعه است. یعنی به‌نوعی هم جزو موانع و هم جزو اهداف توسعه است. ما در جامعه ایران شاهد یک شهرنشینی و شهرگستری شتابان هستیم. جمعیت ایران طی ۶ دهه گذشته یعنی بعد از حدود سال ۱۳۳۵ و به‌ویژه اجرای قانون اصلاحات ارضی در دهه ۴۰ جمعیت به‌صورت سیل‌آسا در سرزمین جابه‌جا شدند و از روستاها به روستاهای دیگر، از روستاها به شهرها و همین‌طور از روستاها و شهرهای کوچک‌تر به شهرهای بزرگ‌تر و به‌ویژه شهر تهران و پایتخت کشور مهاجرت کردند. به‌صورتی که تصویر و هندسه شهرنشینی و روستانشینی در ایران به‌طور کلی دگرگون شد و این جمعیت یک حالت معکوس پیدا کرد که جمعیت حدود ۷۲ درصد روستانشین و ۲۸ درصد شهرنشین اکنون به یک وضعیت معکوس تبدیل شده است.

در این زمینه مشکلات و مسائلی نیز به وجود آمده است. از جمله اینکه آداب و رسوم و هنجار و اخلاق سنتی که در جامعه ایران طی قرون متمادی جاگیر و پاگیر بوده است، به‌تدریج و آرام آرام رو به کاهش، تغییر و فرسایش گذاشته است و آن‌طور که پیداست اخلاق و فرهنگ شهرنشینی نیز شکل نگرفته و قوام پیدا نکرده است و ما

خبرنامه الکترونیکی انجمن ایرانی اخلاق در علوم و فناوری (شماره ۲۶) زمستان ۱۳۹۹

تا از صنوف مختلف نظیر رانندگان، کاسبان، تجار، رستوران‌داران و ... نمایندگانی را برای تشریح اخلاق صنف خود معرفی کنند، این امر ممکن نشد. امیدواریم در همایش‌های بعدی بتوانیم متمرکز شویم تا افراد نخبه، زبده و صاحب‌نظر در گروه حرف و مشاغل و تجارت و صنعت اخلاق صنف خود را معرفی کنند تا نظرهاها و نگرش‌های این عزیزان را داشته باشیم.



بحث‌های کاربردی و کدهای اخلاقی را نیز تا جایی که می‌شود با کمک استادان، پژوهشگران و دانشوران، تولید و در اختیار سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان و عموم مردم و عرصه عمومی قرار دهیم.

نکته حائز اهمیت که باید به آن اشاره کنیم این است که ما در شروع همایش تجربه قبلی پژوهشی، علمی و کاربردی در زمینه اخلاق و فرهنگ شهرنشینی را جستجوی وسیعی کردیم و در مجموع به ۵۸۰ کتاب، پژوهش و مقاله رسیدیم که با توجه به زمینه‌های تاریخی و نیاز جامعه بزرگ ایران بسیار اندک است. اما متأسفانه وقتی این آثار را واکاوی کردیم متوجه شدیم که تعداد آثاری که به‌طور مشخص در حوزه اخلاق و فرهنگ شهرنشینی و برگرفته از فرهنگ ایرانی و سازگار با متن ایرانی به نگارش درآمده است. این شد که برگزاری این همایش و دریافت مطالعات نظری و دریافت کدهای کاربردی برای اخلاق و فرهنگ شهرنشینی ضرورت بسیار مهمی است.

نکته دیگری که در بررسی‌هایمان به کمبود آن رسیدیم، مساله اخلاق حرفه‌ای در شهرها است. اینکه مهندسان، پزشکان، کارگران، کارمندان، اصناف، رانندگان، تجار، ورزشکاران، هنرمندان و ... از چه اخلاق حرفه‌ای استفاده می‌کنند؟ بنابراین وجه همت ما این شد که اخلاق حرفه‌ای را نیز در این همایش مورد توجه قرار دهیم. البته تا حدود نسبی در این زمینه موفق بودیم و تا حدودی نسبتاً قابل‌توجهی با عدم رغبت و تمایل و مشکلاتی مواجه شدیم که نتوانستیم به اهدافی که مد نظر داریم دست پیدا کنیم. به‌طور مثال موفق به تولید محتوا اخلاق در حوزه سلامت و جامعه پزشکی، اخلاق مهندسی، اخلاق نظام آموزش در قالب مثلث معلم-والدین-دانش‌آموزان و اخلاق علم و دانشگاه و دانشگاهیان شدیم ولی علی‌رغم مراجعات بسیار زیاد و تماس‌های مکرری که با اتاق اصناف و اتاق بازرگانی کشور داشتیم

انتشار شماره زمستان (یای ۶۰) سال ۱۵، شماره ۴

فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری

[illegible]

مهدی نعیمی نظام آباد، دکتر حسین وظیفه دوست، دکتر محمدعلی عبدالوند، دکتر بهناز
 خدای، ۱۳

اصل زرین اخلاقی و پیشگیری حقوقی استفاده نامشروع از پایگاه داده‌ها

سهرورد زرشکيان، دڪٽر احمد مؤمني راد ۲۲

فرا تحلیل عوامل همبسته با تعهد سازمانی معلمان به عنوان یک متغیر

اخلاقی در سازمان‌های آموزشی

رامین غریب زاده، دکتر عادل زاهد بابلان، دکتر مهدی معینی کیا، دکتر علی خالق خواه.. ۳۱

اثر بخشی آموزش هوش معنوی (SQ) بر تعهد سازمانی، به عنوان مولفه

اخلاق حرفه ای و بهره وری در مدیران

صمد باروج کیاکلا، دکترهادی بهرامی، دکترعلیرضا محمدی آریا، دکترمحمود ساعتچی

الگوی برنامه درسی « اخلاق کاربردی » بر مبنای مولفه های شهروند

جهانی

فہیمہ روزبہ، دکتر عزت اللہ نادری، دکتر مریم سیف نراقی ۴۸

رابطه میان کدهای اخلاقی و عملکرد پایدار سازمانی : با تاکید بر نقش

بشر دوستی

دکتر سهیلا خدامی، احمد گلپایگانی ۵۴

سلب اعتبار برون دادهای علمی و مصادیق بداخلاقی پژوهشی

مرضیه مروتی، دکتر محمدامین عرفان منش ۶۲

فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری یک فصلنامه علمی با مجوز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و مجوز علمی از وزارت علوم، تحقیقات و فناوری با صاحب امتیازی انجمن ایرانی اخلاق در علوم و فناوری می باشد که از سال ۱۳۸۵ تا کنون به شکل منظم منتشر می شود.

بدینوسیله به اطلاع پژوهشگران حوزه اخلاق می‌رساند که شماره زمستان فصلنامه علمی اخلاق در علوم و فناوری منتشر شد. مقالات چاپ شده در این شماره به شرح زیر می‌باشند:

فهرست مطالب:

میانجیگری کیفی آموزه ای از عدالت ترمیمی از منظر حقوق و اخلاق
عزت اله نورزاد، دکتر ابوالحسن مجتهد سلیمانی، دکتر راحله سید مرتضی حسینی ۱
مطالعه جنبه‌های اخلاقی و اجتماعی فناوری‌های جدید (با تأکید بر فناوری
نانو)

مریم سادات سید کریمی، دکتر محمد نمازی، دکتر منیر السادات سید کریمی ۷

حنش مصرف اخلاقی: نگرانی‌ها و رفتارهای اخلاقی مصرف کننده

خبرنامه الکترونیکی انجمن ایرانی اخلاق در علوم و فناوری (شماره ۲۶) زمستان ۱۳۹۹

ارتباط سبک زندگی با اخلاق کاری حسابداران	۷۰
مهدی فغانی، دکتر مهدی ثقفی، دکتر نازنین بشیری منش	
رابطه اخلاق و سازه‌های جامعه‌شناختی با سرمایه‌فکری	۷۸
دکتر محمد نمازی، دکتر علیرضا ممتازیان، حسین رجب‌دُری	
تبیین مؤلفه‌های تربیت اخلاقی دانش‌جومعلم‌ان براساس اسناد بالادستی دانشگاه فرهنگیان	۸۶
میثم غلام‌پور، دکتر هادی پورشافعی، دکتر مقصودفر استخواه، دکتر محسن آیتی	
واکاوی پدیدارشناسانه رفتارهای غیر اخلاقی در سازمان	۹۶
دکتر محسن فرهادی نژاد، ملیحه خروتنی	
رابطه فساد اخلاقی و توسعه اقتصادی	۱۰۴
دکتر سعید کیان‌پور، سپیده عظیمی، دکتر شهرام فتاحی، دکتر کیومرث سهیلی	
الگوی بازاریابی در گردشگری سلامت با تاکید بر مولفه‌های اخلاقی	۱۱۳
دکتر ایروان مسعودی اصل، فاطمه نجفی پور مقدم، دکتر سیمیه حسام، دکتر محمود محمودی فراهانی	
نقش اخلاق در تصمیمات پذیرش مالیاتی	۱۲۲
ندا خواجه فرد، دکتر محمد حلاج	
شناسایی ابعاد و مولفه‌های اخلاق حرفه‌ای در سازمان	۱۳۱
معصومه سادات سعیدی، دکتر علیرضا فقیهی، دکتر محمد سیفی، فائزه ناطقی	
رابطه اخلاق کاری با مسئولیت اجتماعی و تعهد سازمانی	۱۳۸
دکتر بهناز مهاجران، دکتر علیرضا قلعه‌ای، عسگر شجاع‌خانی، فرشید اشرفی سلیم‌کندی	
طراحی الگوی نهادینه شدن اخلاق در ورزش	۱۴۷
دکتر زینب مندعلی‌زاده	
تحلیل ارتباط بین فرهنگ اخلاقی و اخلاق سازمانی با درگیری شغلی	۱۵۵
علی کریمی، دکتر فاتح فرازبانی	
رابطه برند کارفرما و نوآوری در خدمات: نقش واسطه‌ای اخلاق کار	۱۶۳
دکتر حسین تاج آبادی، دکتر غلامرضا توکلی، یونس نظری	
شناسایی و رتبه‌بندی پیشایندهای سرپرستی توهین‌آمیز به عنوان یک سبک غیراخلاقی رهبری	۱۷۱
دکتر فضل‌اله کاظمی، امین زارع	
تأثیر جو اخلاق نیروی فروش بر هویت سازمانی: نقش میانجی شادکامی سازمانی و همدلی	۱۸۱
دکتر حسین رحیمی کلور، زهرا کاظمی، الله یار بیگی فیروزی	
نقش واسطه جو اخلاقی در رابطه بین عدالت سازمانی و هویت سازمانی	۱۸۶
وحید فتاحی سرند، دکتر علی شائمی برزکی، دکتر هادی تیموری	

Website: www.ethicsjournal.ir

Email: info@ethicsjournal.ir

انتشار شماره زمستان (پیاپی ۸)، سال ۲، شماره ۴

International Journal of Ethics & Society



Touran Alizadeh, Maryam Elahizadeh..... 10

Bank Ethical Responsibility to Compensate for Services Failure & Its Revival

Mina Khalili Kisami, Karim Hamdi Hossein Vazifehdoust, Farhad Hosseinzadeh Lotfi.....18

Predicting Self-Efficacy based on Professional Ethics & Professional Development

Mohammad Khaki-Najafabadi, Shahram Aroufzad, Mina Mostahfezian, Mahdi Navid-Adham.....28

Mapping Customers' Mind Value to Avoid Pseudo Needs in Con-suming Drinks during Flight based on Ethical Marketing Approach

Alireza Fayazi, Abdullah Naami, Reza Aghamusa38

Predicting Employee Productivity based on Work Ethics & Organizational Learning

Samaneh Faregh, Ramezan Jahanian, Mahtab Salimi.....48

Website: www.ijethics.com

Email: info@ijethics.com

فصلنامه انگلیسی زبان اخلاق و جامعه (IJES) یک فصلنامه علمی با مجوز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و مجوز علمی از وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و صاحب امتیازی انجمن ایرانی اخلاق در علوم و فناوری می باشد که از سال ۲۰۱۹ تا کنون منتشر می شود.

بدینوسیله به اطلاع پژوهشگران حوزه اخلاق می رساند که شماره زمستان فصلنامه علمی اخلاق در علوم و فناوری منتشر شد. مقالات چاپ شده در این شماره به شرح زیر می باشند:

Review Article(s)

Social & Ethical Requisites of the Legal System to Enforce Foreign Judgments for Family Lawsuits

Farhad Afsharnia, Ali Ansari, Abdullah Kiaee1

ORIGINAL Article(s)

Effectiveness of Kohlberg's Dilemmas & Inducing Positive Emotion in Emotional Expectation & Moral Decision Making

انتشار شماره های جدید مجموعه "گردآورد نشست های انجمن ایرانی اخلاق در علوم و فناوری"

- ۱۱ اردشیر منصوری
کاربرد نظریه های رشد اخلاقی در مهندسی اخلاق جامعه
- ۲۵ دکتر احسان شمسی گوشکی
اخلاق بیانی و نفی پرخاشگری
- ۳۵ دکتر احمدعلی نوربالا
خشونت های منسوب به اسلام
- ۶۳ امیرحسین ترکاشوند
خشونت های منسوب به اسلام (بخش دوم): آرایش اخلاقی از آیات مطالعاتی
- ۷۹ امیرحسین ترکاشوند
تأملی در وجوه فکری یک فضیلت اخلاقی
- ۸۷ دکتر امیرحسین خداپرست
درآمدی بر اخلاق مهندسی
- ۹۹ مصطفی ساکت
انسان اخلاقی و جامعه غیر اخلاقی
- ۱۰۵ دکتر رستم فلاح

سخنرانی های چاپ شده در جلد چهارم (۱۳۹۵) به شرح زیر می باشند:

- مقدمه
- (دکتر فاطمه راکعی) هفت
- پیشگفتار
- (دکتر مصطفی معین) نه
- اخلاق ورزشی و محیط زیست
- ۱۱ دکتر تقی شامخی
گسل های تهران مدیریت بحران و ریسک زلزله در تهران
- ۲۹ دکتر مهدی زارع
بی اخلاقی ها در نظام آموزش عالی ایران
- ۳۹ دکتر حسین معاریان
اخلاقی و عملکرد اقتصادی
- ۵۱ دکتر فرشاد مؤمنی
اخلاق در ترجمه
- ۶۹ دکتر مهدی افشار
تخلقات پژوهشی نشریه نیچر و اخلاق در پژوهش
- ۸۵ دکتر احسان شمسی گوشکی
حقوق شهروندی و اخلاق انتخاباتی
- ۹۱ سید علی محمودی



یکی از اولویت های انجمن ایرانی اخلاق در علوم و فناوری گردآوری و تدوین سخنرانی ها و نشست های هم اندیشی برگزار شده در این انجمن می باشد. از این روی، به همت کمیته انتشارات و ارتباطات انجمن ایرانی اخلاق در علوم و فناوری جلد های سوم (۱۳۹۴) و چهارم (۱۳۹۵) از این مجموعه منتشر شد.

سخنرانی های چاپ شده در جلد سوم (۱۳۹۴) به شرح

زیر می باشند:

- مقدمه
- (دکتر فاطمه راکعی) هفت
- پیشگفتار
- (دکتر مصطفی معین) نه
- اخلاق ورزشی در زمانه عسرت در آینه نهج البلاغه

معرفی کتاب

در کتاب مبانی اخلاق، چاپ پنجم، نویسنده Russ Shafer-Landau از سبک نوشتاری جذاب و منحصر به فردی استفاده می کند تا دانش آموزان را با ایده های اساسی فلسفه اخلاق آشنا کند. این کتاب با ارائه پوشش جامع تری از زندگی خوب، اخلاق هنجاری و فرامینیک بیش از هر متن دیگری در نوع خود، به موضوعاتی می پردازد که غالباً از سایر متون حذف می شوند، مانند دکترین انجام و مجازات، دکترین اثر دوگانه، خاص گرایی اخلاقی، نظریه رضایت از میل به رفاه، نظریه خطای اخلاقی و تئوری راس درباره وظایف اولیه. شفر-لاندو ده ها استدلال را با دقت در سطحی قابل درک و برای دانش آموزان فاقد پیشینه فلسفی با دقت بازسازی و تحلیل می کند.

